

واکاوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکارکردی‌های آموزشی عالی در ایران

The Study of the Effective Factors in Formation and Development of Malfunctioning in Iran's Higher Education

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۵؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۵/۳/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۰

A. Motalebifard (MA), H. Arasteh (Ph.D),
A. Navehebrahim (Ph.D) & B. Abdollahi
(Ph.D)

علیرضا مطلبی‌فرد^۱، حمیدرضا آراسته^۲، عبدالرحیم نوه
ابراهیم^۳ و بیژن عبد‌الهی^۴

Abstract:

Previous studies have claimed that Iran's higher education sector has failed to fulfill its intended functions effectively leading to a malfunctioning. The present study, therefore, makes an attempt to investigate the factors and dimensions of this malfunctioning in education through a qualitative content analysis. The research population is composed of all the professors and post graduate students in Iran's state universities. Sampling, similar to most sampling types in qualitative studies, is a purposive one. It was done through a criterion and network sampling strategies. The number of informants, based on the principle of saturation in qualitative studies, is 28 who come from diverse universities and institutes including Kharazmi University, ShaheedBeheshti University, Tehran University, Tarbiyat-e Modarres University, Shareef Technical University, Tabriz University, Mashhad University and The Institute of Research and Planning for Higher Education. Unstructured interviews were employed to gather the data, which subsequently were analyzed in several stages using the thematic analysis method. The validity of the analyses was ensured by peer audit and peer debriefing. Results indicated that the instances of higher education malfunctioning can be categorized into 10 major groups which include 36 sub-categories.

چکیده: بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده، آموزش عالی ایران در انجام مؤثر کارکردهای خود ناموفق بوده و دچار کژکارکردی‌هایی شده است. این کژکارکردی‌ها تحت تأثیر عوامل متعددی شکل می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی و در چارچوب رویکرد کیفی و تحلیل محتوا صورت گرفته است. جامعه پژوهش شامل کلیه اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی می‌باشد، نمونه‌گیری در این پژوهش بر اساس منطق نمونه‌گیری در روش‌های کیفی به‌صورت هدفمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری ملاک‌محور و شبکه‌ای انجام شده است. تعداد اطلاع‌رسان‌های پژوهش بر مبنای اصل اشباع در تحقیقات کیفی شامل ۲۸ نفر می‌باشد و از دانشگاه‌های خوارزمی، شهید بهشتی، تهران، تربیت مدرس و صنعتی شریف، تبریز، مشهد و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی انتخاب شده‌اند. اطلاعات مورد نیاز برای تحقیق با استفاده از مصاحبه آزاد جمع‌آوری شده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌ها در چند مرحله و با استفاده از راهبرد تحلیل مضمونی صورت گرفت. برای حصول اطمینان از اعتبار نتایج از همگنان و بازبینی اعضا استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده از پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی را می‌توان در ۱۰ مقوله اصلی و ۳۶ زیرمقوله طبقه‌بندی نمود.

Key words: scientific norms, academic functioning and malfunctioning, academic culture, higher education

کلید واژه‌ها: هنجارهای علمی، کارکرد و کژکارکردی دانشگاهی، فرهنگ دانشگاهی، آموزش عالی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای مدیریت آموزش دانشگاه خوارزمی a.r.motalebifard@gmail.com

۲. استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی

۳. استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی

۴. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی

مقدمه

آموزش عالی^۱ در مقام متولی تدارک سرمایه انسانی، وظایف مهم و رسالت‌های والایی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد (قارون، ۱۳۷۵)، و کم و بیش در تمام کشورها اهداف کلی و مشخصی هم‌چون انجام پژوهش‌های بنیادی، علمی و کاربردی به‌منظور پیشرفت گسترش علم و دانش در جامعه، تربیت و تأمین نیروی انسانی ماهر، متخصص و کارآمد مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه را دنبال می‌نماید (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹، فیشر، اوچت و کاوالاسکی^۲، ۲۰۱۶). اما به‌طور کلی براساس دیدگاه ماکاراس (۱۹۹۹)، به نقل از آراسته و معماری، (۱۳۹۰)، سه مأموریت اصلی تولید دانش از طریق پژوهش، اشاعه‌ی دانش از طریق آموزش و بکارگیری دانش از طریق ارائه‌ی خدمات اجتماعی را به‌عنوان کارکردهای اصلی آموزش عالی در نظر گرفت. که هر جامعه‌ای در چارچوب ویژگی‌های فرهنگی و شرایط و الزامات خود در پی دستیابی به آن اهداف و کارکردها در سطح مطلوب است (فتکولینا، مورزیکنا و سلیمانوب^۳، ۲۰۱۵).

آموزش عالی را نقطه‌ی تلاقی سه قلمرو دانش، قدرت و فرهنگ تلقی می‌نمایند (فکوهی، ۱۳۸۲)، چرا که موجب عمق بخشیدن به نگرش‌های علمی و فرهنگی، تعمیق فرهنگ گفت و گو، مدارا و کارکرد جمعی، ارتقای تنوع و غنای فرهنگی شده (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳)، و نقشی اساسی در فرآیند توسعه‌ی ملی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه‌یافتگی کشور دارد (ثابتی، همایون سپهر و احمدی، ۱۳۹۳، غنیمه، ۱۳۸۸). توسعه‌ی هر جامعه برای آیندی از وضعیت توسعه‌یافتگی نهاد علم و آموزش عالی آن کشور است چرا که در فرآیند توسعه‌یافتگی، علم اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و در قالب تجربه، در عرصه‌ی مدیریت تبلور می‌یابد (فراستخواه، ۱۳۸۸). از این رو یکی از سیاست‌های اصلی کشورهای توسعه‌یافته در سال‌های گذشته افزایش دسترسی به آموزش عالی و همگانی کردن آن بوده است (توفیقی داریان، ۱۳۸۸). با این حال، چالش‌های امروزی آموزش عالی و پیچیدگی‌های ناشی از آن، توسعه‌ی درونی دانشگاه را به‌عنوان یکی از دغدغه‌های ضروری دولت‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سراسر دنیا تبدیل کرده است (مارمجو^۴، ۲۰۰۶، فرما و ماتیزو^۵، ۲۰۱۵).

برای دستیابی به این هدف دانشگاه‌ها باید تلاش کنند اصول هنجاری و روحیاتی چون درستی، صداقت و بزرگ‌منشی، روحیه کاربرد دانش برای ارتقای رفاه بشری، روحیه‌ی افزایش شایستگی، احساس مسئولیت، حسن پاسخگویی، انتقادپذیری، شفافیت، انصاف، پرهیز از

1. Higher Education
3. Fatkullinaa, Morozkinaa & Suleimanovab
5. Formaa & Matyjas

2. Fischer, Oget & Cavallucci
4. Mormolejo

جانب‌داری، امانت‌داری و احترام به دیگران را که از مؤلفه‌های اخلاقی و هنجاری و از الزامات خود‌ارزیابی افراد است به‌عنوان فرهنگ در دانشجویان و سیستم دانشگاهی خود نهادینه کنند (فراستخواه، ۱۳۸۵، ۱۳۸۹). به‌عبارت دیگر دانشگاه‌ها باید تلاش نمایند افرادی را پرورش دهند که بورديو^۱ (۱۹۸۸)، آن را انسان آکادمیک^۲ می‌نامد. بورديو معتقد است مهم‌ترین کاری که دانشگاه انجام می‌دهد شکل بخشیدن هویت تازه‌ای در فرد تحصیل‌کرده به نام هویت علمی است. انسان دانشگاهی برای پیشبرد علم، تأمین نیازهای شغلی، نیازهای جامعه و سایر موضوعات، دائماً در مسیر یادگیری، یاد دادن، تولید و اشاعه‌ی فکر و ایده‌های نو تلاش می‌کند، انسان دانشگاهی از دیدگاه سریع‌القلم (۱۳۷۵) دارای ویژگی‌های هم‌چون تفکر علمی، تولید علمی، استنباط علمی، شخصیت علمی و اخلاق علمی، و براساس دیدگاه کلارک^۳ (۱۹۸۷) انسان دانشگاهی بایستی دارای ویژگی‌هایی هم‌چون انجام پژوهش و آموزش به نحو احسن، کمک نوآورانه به رشته‌ی علمی خود، کاهش منافع فردی به سود منافع جمعی و اصولی، نشاط، شور علمی، انتشار آثار قلمی برجسته، ایجاد نقطه‌ی عطف در رشته‌ی علمی، تعهد به حقیقت، داشتن وجهه ملی یا جهانی و تسلط بر دانش و رشته علمی خود باشد (فاضلی، ۱۳۸۷).

موفقیت در ایفای نقش حرفه‌ای و آکادمیک و تربیت انسان‌های آکادمیک مستلزم جامعه‌پذیری دانشگاهی^۴ از طریق انتقال معانی فرهنگ دانشگاهی می‌باشد (رباطی، محمد باقری و حسنی، ۱۳۹۴، آهولا^۵، ۲۰۰۰، مارگولیس، ۲۰۰۱). شکل‌گیری فرهنگ در نظام آموزش عالی هر جامعه از انتقال آشکار و پنهان هنجارها و نگرش‌های خاص به فراگیرندگان فارغ‌نیست و در بسیاری از مواقع اثربخشی این تجارب به مراتب بیشتر از روش‌های مستقیم و کوشش‌های آگاهانه است. نظام آموزش عالی در کنار وظایف و مسئولیت‌های تعیین شده از قبل دارای کارکردهای دیگری نیز بوده است که هرچند در برنامه‌های رسمی به آن اشاره نشده است اما در عمل این برنامه‌ها تأثیر چشم‌گیری بر شکل‌گیری شخصیت و ویژگی‌های رفتاری دانشجویان دارند (ایمانی، یعقوبی، یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۴). صاحب‌نظران تعلیم و تربیت برای تشریح آموخته‌ها و نگرش‌هایی که تحت تأثیر این عوامل ضمنی در فراگیرندگان شکل می‌گیرند، و هم‌چنین پیامد آن‌ها، از مفهوم "برنامه‌ی درسی پنهان" بهره گرفته‌اند. مفهوم برنامه درسی پنهان در مطالعات برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی نیز از جمله مفاهیم بسیار ارزشمند و راهگشا در تفکر و عمل برنامه‌ریزی درسی است که به اختصار، به مجموعه‌ای از یادگیری‌ها در نظام آموزش عالی اطلاق می‌شود که در بستر فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی (دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش

1. Bourdieu
3. Celark
5. Ahola

2. homo academicus
4. academic socialization

عالی) و بدون آگاهی کنش‌گران برنامه درسی آموزش عالی، یعنی اعضای هیأت علمی و دانشجویان و سایر متولیان حاصل می‌شود (بزرگ و خاکباز، ۱۳۹۲). برنامه‌ی درسی پنهان استعاره‌ای مناسب برای توصیف ماهیت سایه‌وار، تصریح نشده و بی‌شکل فرآیندهای ضمنی و در هم تنیده‌ی تجارب آموزشی و تربیتی است که در نقطه‌ی مقابل آموزش‌های رسمی قرار می‌گیرد و خود را در تعاملات تربیتی آشکار می‌سازد (مارگولیس^۱، ۲۰۰۱).

بنابراین فرهنگ دانشگاهی دربرگیرنده معانی و ارزش‌های مشترکی بوده و منشاء سبکی از زندگی، حس هویت، اخلاق، منش و کنش انسان آکادمیک می‌شود (سهلام^۲، ۲۰۱۴، ویدمن^۳، ۲۰۱۱). فرهنگ دانشگاهی در فضای معنایی و نمادین خود، روال‌ها، قواعد، الگوهای اجتماعی و تعاملی متمایزی را پرورش می‌دهد. که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجارب، دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند. فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان ویژه، فضای نمادین، آیین‌های دانشگاهی، عرف و مقررات و به‌طور کلی نمادهای خاص، عینیت و تبلور می‌یابد و مهم‌ترین کارکرد آن، تعیین نوعی هویت خاص برای انسان دانشگاهی است (فراسخواه، ۱۳۸۹، فاضلی، ۱۳۸۷، ایوانز و همکاران^۴، ۲۰۰۹، لمپ و سالی^۵، ۲۰۰۴). بنابراین هنجارهای حرفه‌ای در میان دانشجویان، نتیجه‌ی مسلم فرآیندهای اجتماعی میان عاملان آموزشی است (اونیتی^۶، ۲۰۱۲، النا^۷، ۲۰۱۱)، هرچند مهم‌ترین نقش در این زمینه زمینه بر عهده‌ی اساتید می‌باشد (سوزان، گارد نر^۸، ۲۰۱۰). اما نباید فراموش کرد که علم و ارزش‌های دانشگاهی تنها از راه کتاب‌ها و منابع درسی و آزمایشگاهی به فرد منتقل نمی‌شوند (ساموئل و کوهان^۹، ۲۰۱۰، پاول^{۱۰}، ۲۰۱۲)، بلکه این ارزش‌ها در درون بستر و فضای فرهنگی زندگی روزمره فرد قرار دارند. بنابراین اگر بخواهیم فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی مطابق ارزش‌های آرمانی دانشگاه انجام شود، ناگزیر باید بستر و فضایی را که دانشجو در آن زندگی می‌کند بشناسیم و متناسب با اهداف آرمانی دانشگاه، آن را نظم و سامان دهیم (صفایی موحد، ۱۳۸۹).

به‌طور کلی آموزش عالی باید بتواند افراد را برای زندگی اجتماعی و فردی آینده آماده نماید (مارینا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۵). اما آن‌چه از واقعیات موجود بر می‌آید فرآیند جامعه‌پذیری در دانشگاه‌های ایران، انتقال فرهنگ و تربیت انسان‌های آکادمیک با ویژگی‌های بیان شده در بالا

1. Margolis
3. Weidman
5. Lempp & Seale
7. Elena
9. Samuel & Kohun
11. Marina

2. Sahlam
4. Evans & Stevenson
6. Ongiti
8. Susan & Gardner
10. Pavel

چندان موفق نبوده است. اعتبار مفروضات اشاره شده در آموزش عالی ایران زیر سوال رفته است (فراسخواه، ۱۳۸۹، مطلبی فرد، آراسته، محبت و همکاران، ۱۳۹۱). رفتار دانشجویان در بسیاری از مواقع در تضاد با هنجارهای مورد قبول در آموزش عالی بوده و علی‌رغم توسعه و گسترش چشم‌گیر نظام آموزش عالی کشور، دانشگاه‌ها در زمینه تربیت انسان آکادمیک به نحو مطلوب موفق نبوده‌اند. دانشگاه‌ها نه تنها به نحو مطلوب قادر به ارتقاء و کمال بخشیدن به کسانی که نتوانسته‌اند در مدرسه و خانواده آمادگی‌های ذهنی و شخصیتی لازم را برای ایفای نقش انسان دانشگاهی بدست آورند، نیستند، بلکه حتی کسانی که این آمادگی‌ها را دارند نیز با ورود به دانشگاه یا دچار سرخوردگی و یأس می‌شوند، یا در فضایی بیرون از دانشگاه علایق فکری خود را جستجو و دنبال می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۷). در همین راستا پژوهش حاضر درصدد دستیابی به هدف و پاسخ‌گویی به سوال زیر بوده است:

هدف پژوهش: واکاوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکارکردی‌های آموزشی عالی در ایران

سوال پژوهش: چه عواملی در شکل‌گیری و توسعه کژکارکردی‌های آموزش عالی مؤثرند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه‌ی پژوهش عمدتاً با دو گروه پژوهش سروکار داریم، بخش عمده تحقیقات انجام شده در این خصوص تأکید بر آسیب‌شناسی وضعیت آموزش عالی در ابعاد مختلف پرداخته دارند. در این حوزه می‌توان به نتایج تحقیق مه‌رام و همکاران (۱۳۸۴، ۱۳۸۶) اشاره نمود که مواردی چون هویت اعتیاد‌پذیر، به‌کارگیری قواعد بازی، تقلب، بی‌پروایی در مواجهه با جنس مخالف ریشه در مؤلفه‌های مختلف نظام دانشگاهی اعم از استاد، روش تدریس، شیوه‌ی ارزشیابی، زمان‌بندی، محتوای ارائه شده، مکان تدریس، گروه دانشجویان و وسایل و منابع آموزشی داشته باشد. تأکید استادان و تمرکز بیشتر سؤالات آزمون‌ها بر قوه‌ی حافظه، استیلای سخنرانی و منفعل بودن دانشجویان به‌عنوان کسانی که نقش اصلی یادگیری را بر عهده دارند، عدم وجود نرم افزار بومی در مواجهه با مسائل علمی و فرهنگی، کاهش شدید انگیزه تحصیل به علت مایوس شدن دانشجویان از کسب شغل و درآمد مناسب پس از تحصیل، انتظار غیرواقعی برخی استادان از دانشجویان و افراط و تفریط در آن، انعطاف استادان و عدول از ملاک‌های بایسته ارزشیابی در نمره‌دهی و قضاوت، و عدم وجود روحیه‌ی نقد و سطحی‌نگری به تکالیف، از جمله عوامل مؤثری قلمداد می‌شوند که قابلیت کاوش بیشتر به‌عنوان موارد اثرگذار بر کاهش جنبه‌های بایسته هویت آکادمیک را دارا هستند. مطالعه قاضی طباطبایی و دادهیر (۱۳۸۰) نیز نشان می‌دهد که به عقیده دانشجویان، استادان آن‌ها در رفتار واقعی خود مؤلفه‌های بیشتری از ضد هنجارهای علم را

نشان می‌دهند. عوامل دانشگاهی پیروی از ضد هنجارهای علم را بیشتر از هنجارهای علم ترغیب می‌کنند. از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی، استادان آن‌ها در رفتارهای واقعی خویش در گروه آموزشی و در ارتباط با دانشجویان به ضد هنجارهای علم بیشتر، پایبندی نشان داده و کمتر به هنجارهای علم اقتدا می‌کنند. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دانشگاهی و دپارتمانی ایران ضد هنجارپروری هستند تا هنجارپرور.

براساس تحقیق فراستخواه (۱۳۸۹) نیز هنجارها و معیارهای اخلاق علمی در ایران، مانند انصاف، پرهیز از جانبداری، امانت‌داری، صداقت، هنجارگرایی علمی، انتقادپذیری، پاسخگویی و وضعیت بحث‌انگیزی دارد که خود ناشی از مسئله‌آمیز بودن زمینه‌های موجود فرهنگی دانشگاهی و فرهنگ اجتماعی علمی در کشور است. هم‌چنین بر اساس نتایج تحقیق فراستخواه (۱۳۸۵)، برخی از مدرسان برای ارضای دانشجویان به جای فعالیت‌های مطلوب یاددهی ترندهای دیگری را به کار می‌گیرند و معمولاً تفاهم‌نامه نانوشته‌ای میان مدیران، استادان و دانشجویان برای تقلیل کیفیت شکل می‌گیرد. این وضعیت هنجارهای علمی در کشور، انعکاسی از ضعف و نارسایی‌های عمومی‌تر در اخلاق اجتماعی و هنجارهای اجتماعی است. در همین راستا رفیع پور (۱۳۸۱، به نقل از فاضلی، ۱۳۸۷) نیز وضعیت آموزش عالی ایران را از نظر توجه به هنجارهای آکادمیک نامطلوب و عوامل آسیب‌زای نظام آموزش عالی ایران را ناشی از استبداد سیاسی، سلطه نگرش خاصی از مذهب، رفتار هنجاری، تضاد، رفتار احساسی، خود نمایی، جاه‌طلبی، برتری‌جویی و فردگرایی می‌داند که از دید وی این عوامل مانع توسعه‌ی علمی می‌شوند. در تحقیق مطلبی فرد (۱۳۹۱) نیز که به بررسی وضعیت آموزش عالی از حیث توجه به مؤلفه‌های اخلاقی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، دانشجویی و مدیریتی پرداخته است در تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی وضعیت منفی بوده و این اصول و هنجارهای اخلاقی در آموزش عالی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

دسته دوم تحقیقات انجام شده در این زمینه تحقیقاتی هستند که به بررسی فرآیند فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری دانشجویان می‌پردازد. در این زمینه می‌توان به مطالعه‌ی انجام شده توسط ذکایی و اسماعیلی (۱۳۹۰) اشاره کرد که فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری دانشگاهی در ایران ناکارآمد دانسته بیان می‌کند رفتار دانشجویان با فرهنگ مطلوب دانشگاهی فاصله بسیار زیادی دارند. و احساس و نگرش بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، و بیگانگی از خود، فضای دانشگاهی و تحصیل به‌طور فزاینده در دانشجویان مشاهده می‌گردد. بر اساس نتایج تحقیق حاضر بیگانگی تحصیلی ضمن تأثیرپذیری از سیاست فرهنگ، آثار و پیامدهای اجتماعی روانی و اقتصادی مهمی در زندگی دانشجویان دارد. فاصله‌گزینی با بیگانگی دانشگاهی هدف‌مند، تطابق‌گزینی با انتظارات و هنجارهای شناختی دانشگاهی و ایجاد هماهنگی و تعادل بین

نیازها و ارزش‌های شخصی خود دانشگاهی و رسمی گونه‌های عمده تجربه بیگانگی و استراتژی مواجهه با آن برای دانشجویان محسوب می‌شوند. مظفری و یوسفی اقدام (۱۳۹۰)، نیز در پژوهشی به بررسی تاکتیک‌های جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری پرداخته و بیان می‌کند که بین ابعاد فرهنگ رشته‌ای و رشته‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین رشته‌های مختلف در تاکتیک‌های جامعه‌پذیری تفاوت وجود دارد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد نبود اجتماعات علمی و رشته‌ای و ضعف هویت رشته‌ای و فرهنگ رشته‌ای از مشکلات اساسی است که در جامعه‌پذیری دانشجویان تأثیر می‌گذارد. سلیمانی و حسنی (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر بحران رفتار دانشجویی پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق عوامل مؤثر بر بحران رفتاری دانشجویان شامل عوامل سیاسی، ساختار دانشگاه محل تحصیل، عوامل اجتماعی، هزینه و اشتغال، هدف و برنامه زندگی، عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی، نیازهای رشد و توسعه فردی، نیازهای فیزیولوژیک، تعارض نقش‌ها و شرایط محل تحصیل می‌باشد. عشرت زمانی، عظیمی و سلیمانی (۱۳۹۲)، نیز در تحقیق خود به بررسی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان پرداخته و مهم‌ترین عامل در سرقت علمی را مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره عنوان نموده است و علاوه بر آن عواملی هم‌چون نبود احساس خودکارآمدی در دانشجویان در انجام دادن پژوهش و نوشتن گزارش علمی، نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، عوامل اجتماعی فرهنگی، آموزش‌های ناکافی قبلی درباره چگونگی اسناددهی و شناسایی انواع سرقت علمی در دوران دبیرستان، تشخیص ندادن سرقت علمی دانشجویان از سوی استادان و عدم واکنش به آن، عوامل فشار، آموزش‌های ناکافی دانشگاهی، نداشتن ترس از تنبیه و مؤاخذه شدن و وجود داشتن فضای مجازی و الکترونیکی را از زمینه‌های مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان می‌داند. در تحقیق برهانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز عواملی هم‌چون کمبود انگیزه و علاقه، خودآگاهی ناکافی، کمبود مدرسین مسلط به علم اخلاق، نارسایی برنامه درسی، استفاده از روش‌های نامناسب در آموزش اخلاق، مشکلات ارزشیابی ویژگی‌های اخلاق و ضعف ارتباطات فردی از مسائل تأثیرگذار در شکل‌گیری هنجارهای دانشگاهی قلمداد شده است. بر اساس نتایج تحقیق اندرسون و همکارانش^۱ نیز شکل‌گیری هنجارهای دانشگاهی در دوره تحصیلات تکمیلی قبل از هر چیزی با زمینه‌ی گروه علمی یعنی عواملی هم‌چون جو گروه آموزشی، ساختار گروه آموزشی و تجربیات دانشجویان مرتبط است (ودادهیر و همکاران، ۱۳۸۷).

در این بین شاید تنها می‌توان به تحقیق توکل (۱۳۷۸)، اشاره کرد که به علت‌شناسی در این زمینه پرداخته و از جمله نقاط ضعف و تنگناهای آموزش عالی ایران را می‌توان کم بها بودن دانش و پژوهش در جامعه، عدم استفاده مؤثر از نتایج تحقیقات، نبود سازوکارهای مناسب جهت ارتباط آموزش عالی با نیازهای کشور، ضعف ساختارها و معیارها در زمینه پژوهش، توسعه رشته‌های آموزشی بدون توجه به نیاز کشور، فقدان سیاست‌ها و زیر ساخت‌های لازم، عدم دسترسی مناسب به پایگاه اطلاعاتی و مراکز بین‌المللی و عدم توجه کیفی و کمی به تحقیق دانست.

در نهایت قابل ذکر است که در شکل‌گیری رفتار دانشجویان عوامل و متغیرهای بسیار زیادی تأثیرگذار می‌باشند. برخی از این عوامل می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های فردی افراد و برخی دیگر تحت تأثیر عناصر محیطی قرار گیرند. اما در هر صورت، وضعیت موجود آموزش عالی ایران نوید روشنی از رفتار آکادمیک دانشجویان ندارد. در حالی که انتظار می‌رود دانشگاه‌ها به‌طور ایده‌آل موجب توسعه‌ی روحیاتی هم‌چون بسط روحیه تفکر و تحقیق، انصاف و احترام به حقایق علمی، علاقه به پژوهش و حل مسأله، تربیت مغزهایی متفکر و واگرا، احترام به علم به خاطر خود علم و نه هدف‌های انتفاعی، پرورش انسان‌هایی خلاق، درک ضرورت یادگیری مداوم، تقویت هویت علمی در دانشگاهیان شوند (شریعت‌مداری، ۱۳۷۹). اما در عمل وضعیت آموزش عالی ایران به‌گونه‌ای دیگر است. به‌طوری که براساس عقیده فاضلی (۱۳۸۷)، یکی از اساسی‌ترین مشکلات دانشگاه ایرانی، ناتوانی آن در شکل بخشیدن هویت آکادمیک در دانشجویان و تربیت انسان آکادمیک است. انسان آکادمیک، محصول فرهنگ دانشگاهی است. اما آیا دانشگاه موفق شده است دانش‌آموختگان و استادانی با این روحیات تربیت کند؟ عملکرد واقعی دانشگاه تا چه حد به ایده‌آل‌های آن نزدیک بوده است؟ پاسخ این سؤالات براساس مجموع توضیحات ارائه شده و نتایج پژوهش‌های پیشین منفی می‌باشد و باید اذعان کرد که آموزش عالی ایران در مجموع نتوانسته دانشجویانی با رفتارهای آکادمیک تربیت نماید و دانشجویان به‌عنوان محصول نهایی آموزش عالی رفتارهای متفاوتی نسبت به هنجارهای آکادمیک مورد قبول انجام می‌دهند.

روش پژوهش

با توجه به سه ویژگی مهم رویکرد کیفی یعنی بافت محور بودن، اکتشافی بودن و غیرکمی بودن روش‌های کیفی در کشف مؤلفه‌ها، پژوهش حاضر در چارچوب این رویکرد انجام شده است. بنا به تعریف پژوهش کیفی روشی برای بررسی عمیق و کسب شناخت در خصوص پدیده‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی است (منصوریان، ۱۳۸۸).

جامعه پژوهش شامل کلیه اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی می‌باشد، اطلاع‌رسان‌های انتخابی برای این پژوهش بر اساس اصل اشباع ۲۸ نفر می‌باشند که شامل ۱۶ دانشجوی تحصیلات تکمیلی (عموماً دکترا) و ۱۲ عضو هیأت علمی می‌باشد و از دانشگاه‌های خوارزمی، شهید بهشتی، تهران، تربیت مدرس و صنعتی شریف، تبریز، مشهد و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی انتخاب شده‌اند. مشارکت‌کنندگان مذکور افرادی بودند که در زمینه پژوهش آرای ارزشمندی داشتند یا علاقه‌مند به حوزه پژوهشی مورد نظر بودند. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر بر اساس دو راهبرد نمونه‌گیری ملاک‌محور و نمونه‌گیری شبکه‌ای یا گلوله برفی صورت گرفت. داده‌های مورد نیاز برای تحقیق با استفاده از مصاحبه آزاد و عمیق جمع‌آوری شده‌اند. مصاحبه‌های عمیق از روش‌های اصلی جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی می‌باشد. در این پژوهش نیز قبل از انجام مصاحبه با اطلاع‌رسان‌ها، کلیات موضوع در اختیار مصاحبه‌شونده قرار می‌گرفت و بعد از هماهنگی‌های لازم با افراد علاقه‌مند و صاحب‌نظری که اعلام آمادگی می‌کردند در این زمینه مصاحبه به‌عمل آمد و تلاش شد اطلاعات عمیقی در خصوص موضوع پژوهش جمع‌آوری گردد و سؤالات مصاحبه بر اساس اطلاعات دریافتی از اطلاع‌رسان‌ها و کسب اطلاعات عمیق‌تر تکمیل می‌گردید. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمونی^۱ استفاده شده است که در چارچوب آن داده‌های کیفی بر مبنای بافت اجتماعی و فرهنگی کلان، تلخیص، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی می‌شوند (آیرس^۲، ۲۰۰۸). تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده بر مبنای شیوه کار در راهبرد مذکور و به‌صورت کدگذاری باز^۳ و کدگذاری محوری^۴ صورت گرفته است.

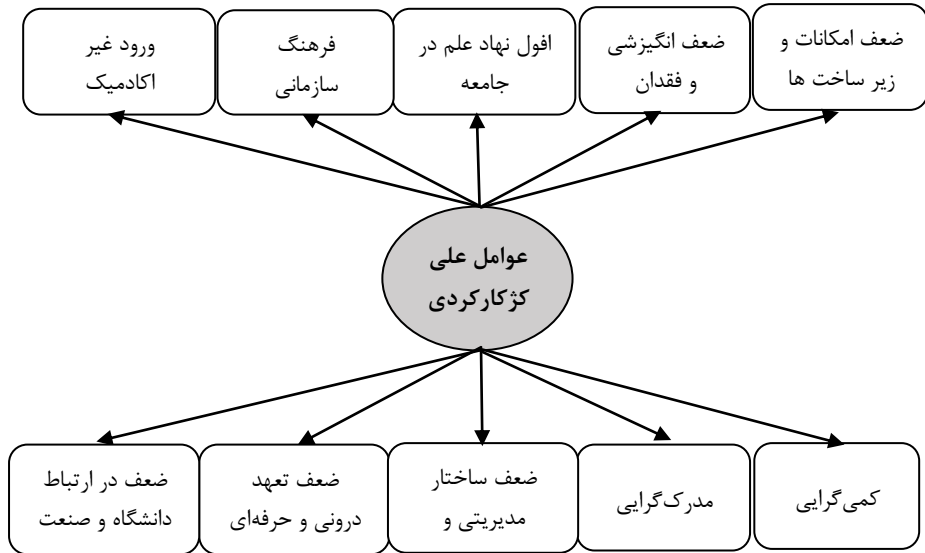
برون‌داد پژوهش مذکور نوعی گونه‌شناسی^۵ از کژکارکردی‌های آموزش عالی در جامعه دانشگاهی ایران ارائه می‌کند. به عقیده استراس و کوربین^۶ (۱۹۹۸)، ارائه گونه‌شناسی‌های علمی در توسعه‌ی علم نقش اساسی دارد. به‌منظور تأمین باورپذیری گونه‌شناسی به دست آمده از دو راهکار بازبینی اعضا^۷ و ممیزی همگان^۸ استفاده شده است (کراس ول و جو هان^۹، ۲۰۰۷).

1. Thematic analysis
3. open coding
5. Typology
7. member check
9. Creswell & John

2. Ayres
4. axial coding
6. Strouss & Corbin
8. peer debriefing

یافته‌های پژوهش

عوامل علی شامل مجموعه عواملی هستند که در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی به‌طور مستقیم نقش دارند. بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیق می‌توان عوامل علی مؤثر بر شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی را در ۱۰ مقوله اصلی زیر و ۳۶ زیر مقوله طبقه‌بندی نمود که در ادامه به بحث و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.



ضعف انگیزشی و فقدان چشم‌انداز روشن

از مهم‌ترین مقولاتی که در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی نقش بسیار پراهمیتی دارد ضعف انگیزشی است که در اثر نبود چشم‌انداز روشن در میان دانشجویان و اساتید وجود دارد در این خصوص موارد زیر مورد تأکید است.

چشم‌انداز شغلی و مالی نامناسب: در شرایط فعلی بیکاری موجود در جامعه، نبود اطمینان از آینده شغلی و وضعیت اقتصادی نامناسبی دانشجویان در کنار شکاف اجتماعی موجود در جامعه میان اصحاب علم و سایرین اقشار جامعه پتانسیلی شده است برای تبدیل شدن دانشجویان به افرادی بی‌انگیزه که در حد توان از زیر کار در می‌روند و مقاطع مختلف تحصیلی را پشت سر هم برای دستیابی به شرایطی مطلوب طی می‌کنند اما در عمل تعهد و انگیزه چندانی برای عملکرد مؤثر ندارند (نیکخواه، شریف، نصر و همکاران، ۱۳۹۰). این مطلب در بیان سجاسی مشهود است که بیان می‌کند "عموماً دانشجویان در سطوح تحصیلات تکمیلی خود را توانمندتر از دیگران

می‌بینند اما واقعیت جامعه، بیکاری، آینده شغلی مبهم چیز دیگری است. روزی تو شهرومن داشتم راه می‌رفتم که یکی از دوستان دوره دبیرستانم شیشه ماشینشو کشید پایین گفت فلانی هنوز لای کتاب دنبال پول می‌گردی و این دردناک بود برام جایگاه عاملمان در جامعه بحث برانگیز است".

مشکلات و مسئولیت‌های چندوجهی: عموم دانشجویان در سطوح تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکتری دارای مسئولیت‌ها و مشکلات چندوجهی هستند و بین چند راهی رعایت هنجارهای حرفه‌ای و علمی، مطالبات خانواده، انتظارات دانشگاه، فشارهای اساتید، در مواقع قابل توجهی انتظارات همسر و مشکلات خود سردرگم می‌مانند، انگیزه‌های خود را از دست می‌دهند و عملاً انگیزه‌ای برای فعالیت بیشتر و مؤثرتر ندارند و یا تلاش می‌کنند فعالیت‌های تحصیلی خود را در کمترین زمان ممکن به پایان برسانند. در این خصوص آقای صمیمیت معتقد است "استادم و دانشگاه از من انتظار داره تمام وقت دانشگاه باشم، تحقیق کنم و تولید علمی داشته باشم، خانوادم بیش از بیست سال هست رو من سرمایه‌گذاری مالی و زمانی کرده و انتظار دارند، همسرم انتظار داره ازم، دوستان و آشنایان نیز به همین صورت. علاوه بر این خودم هم یک سری ایده‌آل‌هایی برای خودم دارم ولی هیچکدام محقق نشده است. در این شرایط بنده اصلاً تمرکز ندارم بخوام درست و حسابی درس بخوانم و تحقیق کنم".

ضعف اعضای هیأت علمی در حمایت از دانشجویان: موضوع دیگر در این زمینه ضعف اساتید در جذب پروژه‌های تحقیقاتی و حمایت از دانشجویان از طریق مشارکت دادن آن‌ها در این پروژه‌های تحقیقاتی می‌باشد. در این خصوص دکتر سرافراز فارغ‌التحصیل زیست‌شناسی بیان می‌کند که "در دوره تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکترا هیچ حمایتی از دانشجویان دکترا نمی‌شود به‌ویژه از طرف استاد راهنما، اساتید نه پروژه‌ای دارند که ما در آن مشارکت کنیم نه از گرنه آموزش خود مایه می‌گذارند من شخصاً دو سه میلیون صرف آزمایشات پابان‌نامه‌ام کردم چرا چون دانشگاه امکانات ندارد، استادم هم هیچ حمایتی از بنده نکرد".

بی‌انگیزگی اساتید و ناتوانی آنان در برانگیختن دانشجویان: در شرایط فعلی اعضای هیأت نیز دارای ضعف انگیزشی هستند. چرا که در برخورد با شکاف بوجود آمده بین اصحاب علم و صاحبان ثروت دچار بی‌انگیزگی می‌شوند. از آنجایی که در بسیاری از مواقع اساتید الهام‌بخش دانشجویان هستند این وضعیت به‌صورت مسری به دانشجویان نیز انتقال می‌یابد و اساتید ناراضی توانایی برانگیختن دانشجویان را ندارند. هم‌چنین این شرایط باعث می‌شود نظارت مؤثری نیز بر فعالیت‌های دانشجویان نداشته باشند. این مطلب در کلام جناب آقای شهر کردی مشهود است "در شرایط فعلی وضعیت و جایگاه اقتصادی که من استاد دارم نسبت به انتظاراتم متفاوت است

برای دانشجویان هم همین‌طور است بنابراین من مجبورم از طریق فعالیت پژوهشی بیشتر، تدریس بیشتر سعی در تأمین نیه‌های خود نمایم برای دانشجویان هم چنین شرایطی وجود دارد آنها هم به هر نحو تلاش می‌کنند شرایط را برای خود مساعد نمایند. من استاد و دانشجو هر دو به نحوی کار خود را پیش می‌بریم و در این میان بخشی که ضرر می‌کند جامعه است."

ورود غیرآکادمیک

از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی، بحث شیوه‌های ورود اعضای هیأت علمی و دانشجویان است. این شیوه‌های غیرآکادمیک موجب وارد شدن تعداد زیادی از دانشجویان و اعضای هیأت علمی در آموزش عالی می‌گردد که کارآمدی، توان و انگیزه لازم را در این حوزه ندارند و این موضوع زمینه‌ساز کژکارکردی در آموزش عالی است. پذیرش بیش از ظرفیت و بدون نیازسنجی: در حال حاضر به دلیل فرهنگ غلط حاکم بر جامعه و تبلیغات بیش از حد تمامی خانواده‌ها و جوانان نقطه نهایی آمال و آرزوهای خود را ورود به دانشگاه می‌دانند و این تب و رقابت به مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز کشیده شده است. این وضعیت در کنار سیاست غلط در افزایش بی‌رویه ظرفیت دانشگاه‌ها بدون توجه به نیازهای واقعی جامعه و عدم ارتباط دانشگاه با صنعت موجب می‌گردد جامعه دچار تورم دانشجو در تعداد زیادی رشته‌ی آموزشی که فرصت‌های قابل توجه شغلی در بازار ندارند گردد (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۰). در این خصوص کریم آباد بیان می‌کند که "شما ببینید چه تفاوتی بین رشته‌های دانشگاه تهران و دانشگاه زابل وجود دارد همه یکسان و کپی‌برداری است فقط تعداد و اساتید متفاوت است کدام دانشگاه نیازسنجی می‌کند که در جامعه چه چیزی نیاز است همه کپی‌برداری می‌کنند. اصلاً کسی فکر نمی‌کند چرا این تعداد دانشجو، کجا قرار است بکار گرفته شوند".

روش پذیرش غیرکارآمد: بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده، یکی از مشکلات موجود در آموزش عالی روش ناکارآمد در پذیرش دانشجو از طریق کنکور می‌باشد. این روش اساساً توانایی ایجاد تفکیک بین افراد دارای صلاحیت و بدون صلاحیت را به‌ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی ندارد. افراد شرکت‌کننده در آزمون بر اساس قدرت تست‌زنی در سطح کشور توزیع می‌شوند که علاقایی به آن ندارند متأسفانه این موضوع در سال‌های اخیر به بالاترین سطح تحصیلات تکمیلی انتقال یافته است و دارای آفت‌های گوناگونی است. در این خصوص بی‌طرفان بیان می‌کنند که "شما تبلیغات تلویزیونی را نگاه کنید پر است از تبلیغات مؤسسات آموزشی کنکوری که به دنبال خودش تقاضا را در پی دارد همه می‌خواهند وارد دانشگاه شوند و این یکی از مشکلات است، مکانیزم کارآمدی هم که وجود ندارد و آزمون کنکوری برای تحصیلات تکمیلی مسخره است".

تنوع کانال‌های ورود غیرآکادمیک: عامل مهم دیگر در این زمینه وجود کانال‌های متنوع و در مواقعی غیراخلاقی در ورود به دانشگاه می‌باشد. از یک طرف وجود سهمیه‌های مختلف و بورسیه‌های وزارت علوم به‌ویژه در سال‌های اخیر و از طرف دیگر برخی بداخلاقی‌های اساتید در استفاده از قدرت سیاسی خود برای وارد کردن دانشجویان مورد نظر خود در مقاطع تحصیلات تکمیلی موجب بروز برخی نارضایتی‌ها و بی‌انگیزه شدن‌ها در دانشجویان تحصیلات تکمیلی شده است. این قبیل افراد که عموماً از وضعیت و آینده شغلی تضمین‌شده‌ای نیز برخوردار هستند. موجبات سرخوردگی در سایر پذیرفته‌شدگان مقاطع تحصیلات تکمیلی و بروز کژکارکردی می‌شوند. در این خصوص خانم هدا سادات حسین‌زاده بیان می‌کند "یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزش عالی ورود تعداد زیادی دانشجویی با شرایط بورسیه در مقاطع دکتری است سوای از کیفیت آن‌ها که بحث برانگیز است و شرایط نابرابری که با بقیه دانشجویان دارند موجب می‌شود که بقیه دانشجویان انگیزه خود را از دست بدهند به‌ویژه آن‌ها که در شرایط فعلی که با تورم دانشجویان دکتری و آمار کم دانشگاه‌ها برای جذب هیأت علمی مواجه هستیم این وضعیت بحرانی‌تر می‌شود مگر ما چه تفاوتی با آن‌ها داریم".

سیاسی‌گزینی به جای شایسته‌گزینی اساتید: موضوع ورود غیرآکادمیک در مورد اساتید هم وجود دارد. نظام متمرکز جذب اعضای هیأت علمی، صرفاً با در نظر گرفتن همسویی سیاسی، استفاده از قدرت و نفوذ سیاسی در جهت جذب، سیاسی کاری و اختلاف بین گروه‌های آموزشی در مواقعی موجب ورود اعضای هیأت علمی در آموزش عالی می‌شود که دارای کیفیت مطلوب برای هیأت علمی شدن در آموزش عالی و شایستگی‌های فردی، رفتاری، روان‌شناختی و تخصصی در حوزه خود نیستند. در این خصوص علیرضا جعفریان بیان می‌کند که "در برخی موارد شاهد ورود افرادی به‌عنوان اعضای هیأت علمی در آموزش عالی هستیم که به هیچ وجه قابلیت‌های لازم برای هیأت علمی شدن را ندارند و از طریق سیاسی کاری و نفوذی که داشته هیأت علمی شده است خوب معلوم است وقتی کسی بدون داشتن صلاحیت وارد آموزش عالی گردد مسائل و انحرافات بعدی را به‌دنبال خواهد داشت".

ضعف امکانات و زیرساخت‌ها

عامل دیگری که در توسعه کژکارکردی‌های آموزش عالی مؤثر است ضعف امکانات و زیرساخت‌های لازم می‌باشد. رشد و توسعه‌ی آموزش عالی در هر جامعه‌ای نیازمند توسعه قوانین و زیرساخت‌های مرتبط با آن می‌باشد و آموزش عالی ایران در این زمینه دارای کمبودهای مختلفی هست که در این زمینه می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد.

ضعف در تأمین نیازهای تحصیلی اولیه: ضعف امکانات و نیازهای ضروری هم‌چون نبود امکانات

آزمایشگاهی، ضعف در اشتراک بانک‌های مقالات بین‌المللی، ضعف در وجود کتابخانه‌های مجهز و کارآمد جهت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی است (کرامتی، ۱۳۸۷). که در نتیجه آن‌ها راه‌های غیراخلاقی برای دریافت مقالات، داده‌سازی، نوشتن منابع از مقالات گسترش می‌یابد موجب نهادینه شدن فرهنگ رفتارهای غیراخلاقی و غیرحرفه‌ای در دانشجویان می‌گردد. در این خصوص یکی از دانشجویان، آقای سجاسی بیان می‌کند که "شما کافی است که به آزمایشگاه ما سر بزنید همه چی دستتون می‌یاد کلی دانشجوی بدون امکانات اولیه، ببینید چی برای دانشجویان دکتری فراهم است خیلی از بچه‌ها خودشون مواد می‌گیرند خیلی‌ها هم مجبورند برای دفاع کردن و خلاص شدن از این وضعیت براساس نتایج روز دنیا داده‌سازی کنند".

ضعف در قوانین و دستورالعمل‌ها یا سهل‌گیری در اجرای آن؛ علاوه بر موارد یاد شده شفاف نبودن و ضعف قوانین، دستورالعمل‌ها و انتظارات از کنش‌گران آموزش عالی یا سهل‌گیری و نگاه سلیقه‌ای در اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها از موجبات دیگر کژکارکردی در آموزش عالی است و موجب ترغیب کژکارکردی در آموزش عالی می‌شود. در این خصوص علی مسافری بیان می‌کند که "قوانین و مقررات آموزش عالی در ایران به هیچ وجه بازدارنده نیستند. کجا در ایران چنین برخوردی داریم آیین‌نامه‌های ایران یا ضعف دارند و یا اگر هم ضعیف باشند سلیقه‌ای برخورد می‌شود. در این شرایط راحت است هرکس تقلب کند، سرقت کند، داده‌سازی کند سریع‌تر به مرحله دفاع می‌رسد و آب از آب تکان نمی‌خورد پس چرا من نکند".

ضعف در توسعه‌ی بانک اطلاعاتی دقیق پژوهشی: یکی از زیرساخت‌هایی که در کنترل پژوهش‌ها باید مورد توجه قرار گیرد فراهم کردن زیرساخت‌های لازم جهت شناسایی آثار علمی تقلبی می‌باشد. بنابراین نبود بانک اطلاعاتی پژوهشی جامع در کشور که امکان شناسایی آثار علمی تقلبی (پایان‌نامه، مقاله، کتاب و ...) را فراهم نماید یکی دیگر از موارد مطرح شده در این حوزه به‌شمار می‌رود. در این خصوص هاشم معزز بیان می‌کند "اخیراً یک سری نرم‌افزارهای وجود دارد که به شما کمک می‌کند بخش‌های مشابه یک مقاله را با سایر مقالات شناسایی کنید که هنوز در ایران کاربرد ندارد ما حتی یک بانک اطلاعاتی از کلیه مقالات منتشر شده در کشور را نداریم و این کمک می‌کند افراد بدون ترس کارهای غیرآکادمیک به قول شما انجام دهند".

نسبت پایین استاد به دانشجو به‌ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی: در دانشگاه‌های ایران نسبت پایین اساتید به دانشجویان به‌ویژه در مقطع دکتری موجب طولانی شدن صف انتظار برای استاد راهنما و مشاور، تورم فعالیت‌های اساتید در حوزه تدریس و در نتیجه نبود وقت کافی برای مطالعه و تحقیق، تکثر دانشجویان تحت راهنمایی و ضعف در نظارت مؤثر بر آن‌ها می‌گردد و این

وضعیت زمینه بروز مشکلات و کژکارکردی در آموزش عالی را فراهم می‌نماید. در این خصوص علی‌زاده بیان می‌کند "یکی از مشکلاتی که من در پایان‌نامه خود به شدت حس می‌کنم جای خالی استاد در مواقعی است که بهش نیاز دارم. استاد سرش شلوغ و تعداد دانشجویانش بیش از ظرفیتش است لذا نمی‌رسد به همه رسیدگی نماید و من مجبورم مسیرم را به تنهایی طی نمایم علاوه بر این وقتی پایان‌نامه را در اختیارش قرار می‌دهم زمان طولانی باید تو صف باشم تا وقت کند بخواند وقتی هم می‌خواند خروجی چندانی مهمی ازش در نمی‌یاد."

فرهنگ سازمانی غیرآکادمیک

براساس دیدگاه اطلاع‌رسان‌های پژوهش عامل مؤثر دیگر در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزشی، فرهنگ سازمانی غیرکارآمد در گروه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات آموزشی عالی است. جو و فرهنگ آموزشی حاکم بر گروه‌های آموزشی نقش پررنگی در شکل‌گیری یا جلوگیری از شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی دارد. در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. **توافق بر سر کاستی‌ها:** یکی از مشکلاتی که در آموزش عالی ایران وجود دارد توافق استاد، دانشجو و گروه‌های آموزشی برای نادیده گرفتن کاستی‌های یکدیگر است. به عبارت دیگر بسیاری از دانشجویان در مواقع متعدد وظایف تحصیلی خود را انجام نمی‌دهند، اکثر اساتید وقت و انرژی کافی برای فعالیت‌های دانشجویان اختصاص نمی‌دهند، مدیران و گروه‌های آموزشی مسئولیت نظارتی خود را به درستی انجام نمی‌دهند و چون هر سه از ضعف‌ها و کاستی‌های هم باخبرند از کنار آن‌ها می‌گذرند و نادیده می‌گیرند. در این خصوص سارا خسروی بیان می‌کند که "کلاس‌های درسی که ما در آن شرکت می‌نماییم هیچ دانش جدیدی را به ما ارائه نمی‌دهد، چون نه ما انگیزه داریم و نه اساتید، یک سری مطالب قدیمی و غیرکارآمد و ارائه می‌شود که به درد نخور است خیلی مواقع هم داستان می‌گه، خاطره می‌گه، کتاب و جزوه‌های خودش را معرفی می‌کند که شاید خیلی هم ربط نداشته. دانشجویان هم این موضوع را می‌دانند اما بی‌تفاوت هستند در پایان ترم هم نمرات از ۱۸ الی ۲۰ توزیع می‌شود آب هم از آب تکون نمی‌خوره".

امتیازخواهی به جای تعامل مؤثر: مسائل ناشی از رقابت بر سر به دست آوردن پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، قدرت‌طلبی اساتید و گروه‌ها، بحث تحمیل استاد و موضوع، رقابت منفی، تورم پایان‌نامه بر دوش برخی اساتید و مشغله‌ها فراوان و در نتیجه وقت نگذاشتن برای پایان‌نامه‌های دانشجویان، نداشتن نظارت مستمر بر فعالیت‌های دانشجویان، سرسری انجام شدن پایان‌نامه‌ها، عدم احترام به وقت دانشجو، کار نکردن در زمینه تخصصی، مادی‌نگری و تحمیل نظرات به دانشجویان مواردی است که در فرهنگ غیرآکادمیک گروه‌ها رواج دارد و موجب نهادینه شدن فرهنگ غلط در فرآیند جامعه‌پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌گردد. در

این خصوص مهشید علی‌زاده بیان می‌کند که "شما ببینید در گروه‌ها بر سر پایان‌نامه‌ها دعواست. اساتید و گروه‌ها هزار مکانیزم و به‌کار می‌بندند تا شما از داخل گروه استاد انتخاب کنید در حالی که من می‌خوام در خصوص موضوعی کار کنم که اصلاً در حوزه تخصص گروه نیست. بنابراین بنده مجبور میشم موضوع و استاد را عوض کنم تا به تخصص گروه بخورد از طرف دیگر بعد از تعیین استاد اصلاً استاد با من کاری ندارد الان یک سال پورپوزالم تصویب شده و استادمو یکبار دیدم".

اعمال قدرت اساتید و گروه‌ها: یکی از عواملی که در بستر سازی کژکارکردی‌های آموزش عالی نقش دارد اعمال قدرت نرم و سخت توسط اساتید و گروه‌های آموزشی است. در فرآیند قدرت سخت اقداماتی همچون اجباری کردن انتخاب استاد و موضوع، منوط کردن نمره کلاسی و پایان‌نامه دانشجویان به تدوین مقاله و در فرآیند قدرت نرم اقداماتی هم‌چون سوگیری و جانبداری در انتخاب استادان و دانشجویان، سوگیری در انتخاب داورها، دشوار کردن فرآیند تدوین پایان‌نامه را به‌کار می‌گیرند تا دانشجویان را با خواست‌های خود همسو نمایند (مطلبی فرد و همکاران، ۱۳۹۳). در این خصوص آقای علی ثمینی بیان می‌کند که "به نظرم دانشجویان در شرایط سختی قرار دارند فشار گروه‌ها و اساتید بسیار بالا و بی‌منطق است گروه‌ها اسرار دارند که اساتید از بین آن‌ها انتخاب کنی، به ما یک برگه دادن ترم چهارم و ما را مثل گوشت قربونی تقسیم کردند بدون اینکه خودمان در جریان باشیم. به استاد موضوع پیشنهاد می‌کنیم رد می‌کنند تا به موضوعی برسیم که خودش بلد است هیچ نظارتی هم که ندارند".

ملاک‌ها و معیارهای غیرآکادمیک در ارزیابی: موضوع مهم دیگر در این زمینه به‌ویژه در زمینه تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی نبود ملاک‌ها و معیارهای معین و بکارگیری ملاک‌های غیرآکادمیک در گروه‌های آموزشی و اساتید برای ارزیابی کیفیت و نبود نظارت مستمر و منسجم بر فرآیند تحقیقات دانشجویی است. به نحوی که سهل‌گیری یا سخت‌گیری بیش از حد گروه‌های آموزشی و اساتید در نمره‌دهی و فرهنگ نمره‌محوری حاکم در بین دانشجویان موجبات افت انگیزش و توسعه‌ی برخی کژکارکردی‌ها در میان دانشجویان می‌گردد. هم‌چنین ضعف اساتید و گروه‌های آموزشی در نظارت مؤثر بر فرآیند تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی موجب پنهان ماندن کژکارکردی‌ها دانشجویان در این زمینه و تقویت مثبت این فرآیند می‌گردد. در این زمینه علیرضا جعفریان بیان می‌کند "دوره ارشد بسیار در موضوع پایان‌نامه/م‌زحمت کشیدم و هم‌کلاسیم همه کارش کپی پیست بود در پایان من دو سال خون دل خوردم زحمت کشیدم شدم ۱۹. ۵ اون شد ۱۹ یک سال زودتر هم دفاع کرد مطمئناً در دکترا چنین اشتباهی نخواهم کرد".

افول جایگاه نهاد علم در جامعه

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری کژکارکردی در آموزش عالی ایران افول جایگاه نهاد علم و ارزش آن در جامعه می‌باشد. و این وضعیت روز به روز بحث برانگیزتر و حادثر می‌شود و علم روز به روز جایگاه خود را در تعاملات، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بیشتر از دست رفته می‌بینند. در این خصوص عوامل متعددی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

نگاه‌انباری به علم: واقعیت این است که در جامعه ایرانی علم به‌عنوان کالای لوکس در نظر گرفته می‌شود و نهادهای اجتماعی و سیاسی مختلف حاکم بیشتر به دنبال بهره‌گیری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از آن می‌باشند. نظام سیاسی به دنبال آسازای بوده، دانشجویان و اساتید به‌جز موارد انگشت شمار بیشتر به دنبال کسب اثرات اقتصادی و جایگاه اجتماعی آن در زندگی آینده خود هستند. به‌عبارت دیگر نه جامعه تلاشی در جهت استفاده از یافته‌های علمی، خدمات دانشگاهی در سطح جامعه و مطالبه دانش می‌نماید و نه اصحاب علم به دنبال تولید علم نافع و قابل استفاده، رفع مشکلات جامعه از طریق تولیدات علمی و بهبود وضعیت زندگی مردم هستند. در این خصوص خانم دکتر کشاورزبان تأکید می‌کند که "نباید به علم به‌صورت یک کالا نگاه کرد، باید در جامعه به علم اهمیت و احترام گذاشته شود. جایگاه آن حفظ شود و از آن برای اصلاح امور استفاده شده، دیدگاه مصرفی به آموزش عالی نباید موجب توسعه هنجارهای نادرست در آموزش عالی گردد".

اهمیت ندادن به عالمان در جامعه: در شرایط فعلی اساساً جامعه برای اصحاب علم و عاملان آموزشی در سیاست‌گذاری‌های کلان جایگاه قابل قبولی قائل نیست. روابط سیاسی عاملان قدرت در جامعه و سازمان‌های تأثیرگذار، فرصتی برای حضور اصحاب علم صاحب پژوهش و نظر در عرصه‌های تأثیرگذار باقی نمی‌گذارد. برکناری برخی از اساتید شناخته شده به‌واسطه برچسب‌های سیاسی و وضعیت زندگی نامناسب دانشجویان در خوابگاه‌ها با کمترین امکانات موجب انتقال معانی منفی به سایر اصحاب علم شده است. در این ارتباط دکتر مسافری تأکید می‌کند که "موضوع مورد توجه و اساسی در رابطه با توسعه هنجارهای علمی در آموزش عالی این است که اول از همه باید جایگاه علم، ارزش دانشجو و استاد حفظ شود، تا بتوانیم در مورد کارکردهای دانشگاه صحبت کنیم، وقتی فرهنگ علم و آموزش جا بیفتد بی‌احترامی‌ها و بداخلاقی‌ها به علمای علم حفظ شود جامعه به اصحاب علم احترام بگذارند آن وقت علم ارزش نهادی پیدا کرده و مقدس تلقی می‌شود و صاحبان علم خود را متعهد به هنجارهای علمی می‌دانند".

اهمیت ندادن به یافته‌های علمی: علاوه بر اهمیت ندادن به اصحاب علم و متفکران، موضوع دیگر توجه نکردن به یافته‌های علمی در سطح جامعه می‌باشد. این وضعیت موجب هدایت شدن

تحقیقات به سمت موضوعاتی است که شاید هیچ ارتباطی با نیازهای جامعه ندارند و اصولاً مسئله‌محور نیستند. در این وضعیت علم به‌عنوان رگ حیاتی فعالیت‌های جامعه در محدوده دانشگاه‌ها، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی نه چندان غنی باقی می‌ماند و روز به روز چون مطالبه، ارزیابی و استفاده‌ای از آن نمی‌شود از کیفیت آن کاسته می‌شود (مطلبی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۳). در این خصوص نادر طهماسبی بیان می‌کند که "علم برای رشد و توسعه نیاز به مطالبه‌گر دارد اساساً در استفاده است که علم رشد پیدا می‌کند حال شما مراجعه کنید به کتابخانه‌های دانشگاه‌ها یا موسسات تحقیقاتی، پر است از پایان‌نامه‌ها گیرم فقط ۱۰ درصد خوب باشد از همین میزان کم هم استفاده نمی‌شود همش دارن خاک می‌خورن در این شرایط با دیدن این صحنه کسی به دنبال کار با کیفیت نمی‌رود کار با کیفیت؟؟ چرا؟؟ برای کی؟؟".

افت هنجارهای علمی در رفتار اصحاب علم: بر اساس دیدگاه اطلاع‌رسان‌های پژوهش یکی از مهم‌ترین دلایل افول نهاد علم جامعه ضعف در تأکید بر هنجارهای علمی و دانشگاهی می‌باشد. هنجارهایی هم‌چون عام‌گرایی، اشتراک عمومی، بی‌طرفی و شک‌سازمان‌یافته راستگویی، علنی‌کاری، آزادی و مسئولیت اجتماعی عناصری هستند که از آن‌ها به‌عنوان هنجارهای علمی یاد می‌شود و ماهیتی فرا فرهنگی و فراملی دارند. اما واقعیت‌های موجود در دانشگاه‌های ما نشان از افت توجه و تأکید بر این هنجارهای علمی را نشان می‌دهد. درحالی که اگر در دانشگاه‌های ما، هنجارها و موارد مطرح شده مورد توجه قرار بگیرند و فرهنگ علم و آموزش جا بیفتد آن‌گاه علم نافذ رشد پیدا کرده و علم ارزشمند تلقی می‌شود و علم جایگاه از دست رفته خود را باز می‌یابد. در این خصوص خانم رضایی بیان می‌کند که "در افت جایگاه علم خود اصحاب علم نیز مؤثر هستند اساساً اصحاب علم نتوانسته‌اند عرضه‌گری خوبی در این زمینه داشته باشند. از طرف دیگر رفتار خود اساتید نیز جایگاه اساتید را در بین دانشجویان تحت‌الشعاع قرار داده است رفتارهای منفعت‌طلبانه برخی از اساتید موجب افت جایگاه آن‌ها در بین دانشجویان و سایر افراد جامعه شده است".

کمی‌نگری در آموزش عالی

یکی از مقوله‌های که در توسعه کژکارکردی در آموزش عالی نقش بسیار زیادی داشته است کمی‌گرایی در آموزش است. مغفول ماندن کیفیت و بی‌توجهی به آن در سیاست‌های کلی آموزش عالی موجب توسعه روزافزون و غیرکارآمد آموزش عالی در کشور شده است و براساس یافته‌های این پژوهش نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر توسعه کژکارکردی‌های آموزش عالی شده است.

فشار اجتماعی، توسعه کمی، غفلت از کیفیت: وجود حدوداً ۲۷۰۰ واحد آموزش عالی، چهار میلیون و نیم دانشجو، ۵۰۰ هزار دانشجوی کارشناسی ارشد و بیش از ۱۲۰ هزار دانشجوی دکتری نشان‌دهنده سیطره کمیت بر دانشگاه است. این واقعیت از آن‌جا ناشی شده که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمیت نظام سیاسی بر مؤسسات آموزشی، لزوم جلب رضایت توده‌های مردم از نظام سیاسی و هم‌چنین افزایش سریع جمعیت و تقاضای اجتماعی منجر به توسعه کمی در آموزش عالی کشور شده است. این توسعه بدون توجه به مؤلفه‌های کیفیت موجب انباشت مؤسسات بی‌کیفیت در سطح کشور شده است. از سوی دیگر کمی شدن باعث شده است دانشگاه‌ها برای رفع مشکلات مالی خود و کاهش وابستگی به بودجه‌های دولتی به شهریه‌ها پناه ببرند. پولی شدن دانشگاه بخش عظیمی از ارزش‌های دانشگاه را زیر سؤال برده و موجب تهی شدن دانشگاه از هنجارها و ارزش‌های علمی و گم شدن مسئولیت‌های علمی و اجتماعی دانشگاه شده است.

ضعف در نیازسنجی و آمایش آموزش عالی: بر اساس نتایج پژوهش یکی از عواملی که در توسعه نگاه کمی در آموزش عالی مؤثر بوده است ضعف نظام آموزش عالی کشور در انجام نیازسنجی مؤثر و آمایش آموزش عالی است. این ضعف منجر به کپی‌برداری دانشگاه‌ها از یکدیگر بدون در نظر گرفتن نیازهای بازار کار و محیط جغرافیایی هر دانشگاه می‌باشد. که در نتیجه آن شمار فراوانی فارغ‌التحصیل در رشته‌های مشابه روانه‌ی بازار شده است این نکته نشانگر آن است که بدون ساختن بسترهای لازم برای توسعه‌ی آموزشی، ما تنها به رشد کمی بسنده کرده و کیفیت را قربانی کرده‌ایم. در این خصوص ایمان علی اصغر بیان می‌کند که "یکی از ضعف‌های عمده‌ای که دانشگاه‌های ما دارند جزیره‌ای عمل کردن است به عبارت دیگر دانشگاه‌ها به جای این‌که به دنبال شناسایی و پاسخگویی به نیازهای جامعه باشند در رقابت با یکدیگر بر سر کسب منافع هستند که عمده‌تاً از طریق افزایش ظرفیت پذیرش صورت می‌گیرد دانشگاه‌ها بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های منطقه و در حال کپی‌برداری هستند".

سیاست‌گذاری‌های غیراصولی در آموزش عالی: عموم سیاست‌های آموزش عالی در حال حاضر در راستای توسعه کمی می‌باشد. در سال‌های گذشته سیاست‌های غلط و تأکید بر کمیت موجب گسترش آمار تحقیقات و پژوهش در کشور شده است. تأکید نظام سیاسی بر آمار تولیدات علمی بدون در نظر گرفتن کاربرد آن در جامعه موجب کمی‌گرایی در حوزه پژوهشی نیز شده است. منوط کردن ارتقای اعضای هیأت علمی به تعداد تولیدات، ملاک بودن تعداد مقالات در پذیرفته شدن دانشجویان در سطوح بالاتر موجب گسترش روزافزون مجلات پژوهشی درجه چندم و کمی‌گرایی در حوزه‌ی پژوهشی، تولیدهای علمی فراوان اما بی‌کیفیت شده است که برای

دانشجویان جز به‌منظور گرفتن مدرک و برای مدرسان غیر از هموار کردن مسیر رشد حرفه‌ای- شغلی سودی به همراه نداشته و بدون حساسیت لازم به تأثیر اجتماعی آن‌ها بر کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی انجام شده است. در این خصوص آقای مهدی خویی بیان می‌کند که "کمی شدن آموزش عالی دلایل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین آن ملاک‌های اشتباهی است که در این زمینه وجود دارد ارتقای هیأت علمی و پذیرش دانشجویان منوط به تدوین مقاله است. در این شرایط معلوم هست که آمار تولید مقاله افزایش می‌یابد. از طرف دیگر شما دائماً شاهد هستید که تبلیغ جایگاه علمی ایران مطرح است ملاک هم تعداد مقالات است اما آیا کسی بررسی کرده که چند درصد از این مقالات تبدیل به تولید شده است یا تا چه حد مشکل کشور به‌واسطه این مقالات حل شده است".

مدرک‌گرایی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی مدرک‌گرایی در جامعه می‌باشد. در سال‌های اخیر میل به گرفتن مدرک تحصیلی از کارشناسی به مقاطع بالاتر کشیده شده که شمار شرکت‌کنندگان در کنکور نشان‌گر چنین امری است و این مقوله شامل ابعاد زیر است.

ناکارآمدی برنامه درسی: هر سال بر اساس ارزیابی به نام کنکور، افراد زیادی وارد دانشگاه می‌شوند. هرچند انگیزه‌های این افراد متفاوت است اما در میان آنان هستند کسانی که به راستی سودای یادگیری، علم‌جویی، رشد و خدمت به کشور را در سر داشته و تنها به دنبال کسب مدرک نیستند اما با ورود به دانشگاه حتی بهترین دانشگاه‌های ایران با شگفتی در می‌یابند که تصورات آنان از تحصیل در دانشگاه و محیط علمی آن بسیار متفاوت بوده است. در دانشگاه و در سطوح تحصیلات تکمیلی هم‌چنان بر دروس نظری تأکید می‌شود و بسیاری از اساتید حتی از معلمان دوران دبیرستان هم بی‌انگیزه‌تر بوده و دغدغه رشد و یادگیری فراگیران خود را ندارند و توجه آنان نیز این است که دانشجو خود باید به‌دنبال یادگیری و کسب دانش باشد. در این خصوص مریم بابایی بیان می‌کند که "در دوره دکتری با شگفتی دریافتم که هم‌چنان دروس نظری است، بین آن‌چه که می‌خواندم و واقعیت آموزش کشور فاصله زیادی هست و عملاً در خیلی از حوزه‌ها کاربردی ندارد و در نهایت من به یک متخصص برنامه‌ریزی درسی در عمل تبدیل نمی‌شوم و اساساً حوزه‌ی آموزشی کشور ما هم نیازی به متخصصین این حوزه‌گویی ندارد. این ضعف دانشگاه‌ها وقتی وارد محیط کار شدم بیشتر آشکار شد".

فشارهای خانوادگی و اجتماعی: یکی از مهم‌ترین عواملی که در زمینه مدرک‌گرایی تأثیر چشم‌گیری دارد فشارهای خانوادگی برای اخذ مدرک است واقعیت این است که فرهنگ غلط

حاکم بر جامعه و رقابت بین خانواده‌ها به فشار بر روی فرزندان برای مهندس یا دکتر شدن منجر می‌شود، مهندس بودن یا دکتر بودن فرزندان برای پدر و مادر و خانواده به‌عنوان افتخاری است که در جلسات خانوادگی، خواستگاری و سایر رقابت‌های زنانه میان خانواده‌ها به وفور یافت می‌شود و موجب گرایش فرزندان به سوی مدرک‌گرایی می‌گردد. در این خصوص ایوب ابراهیمی بیان می‌کند که "من شخصاً تحت تأثیر مستقیم پدر و مادرم و غیرمستقیم سایر اعضای فامیل و برای اینکه از سایر آشنایان و دوستان عقب نباشم به فکر ادامه تحصیل افتادم و الا شخصاً علاقه‌ای به این موضوع نداشتم".

سوء تبلیغات در رسانه‌ها: یکی از عوامل مؤثر بر مدرک‌رایی در جامعه سوءاستفاده رسانه‌های جمعی از تقاضای اجتماعی بالا جهت ورود به دانشگاه می‌باشد. واقعیت این است که رسانه‌های سراسری کشور با هدف کسب درآمد و موج تبلیغاتی بسیار گسترده‌ای را در جهت مؤسسات آموزشی کنکوری روانه ناخودآگاه جمعی جامعه می‌نماید و نقش بسیار مهمی را در حاکم شدن فلسفه بازار بر نظام آموزش عالی ایران بازی می‌نماید. به علاوه در اکثر برنامه‌های تلویزیونی (فیلم سینمایی، سریال و ...) موقعیت اجتماعی برتر و وضعیت مالی بهتر متعلق به دکترها و مهندسان برنامه‌های تلویزیونی می‌باشد و این یکی از عوامل گرایش جامعه به سمت مدرک‌گرایی می‌باشد. در این خصوص یلدا حسن‌زاده بیان می‌کند که "مدرک‌گرایی در جامعه مد است چون تبلیغ می‌شود شما در رسانه، در خانواده در جامعه و محیط کار در معرض تبلیغاتی هستید که تأکید بر مدرک‌گرایی دارد شما هم تحت تأثیر تبلیغات به این موضوع گرایش پیدا می‌کنید".

ضعف در تخصص‌گرایی: بر اساس نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های تحقیق، یکی از عواملی که در شکل‌گیری کژکارکردی در آموزش عالی نقش دارد. موضوع ضعف در تخصص‌گرایی در جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر در بیشتر مواقع ملاک استخدام، مدرک است نه مهارت و این خود مهم‌ترین دلیل برای کسب مدرک در بین نیروی دانشجو و تلاش برای ارتقای سطح این مدرک توسط آنان است. در این خصوص علیرضا جعفریان بیان می‌کند که "در جامعه ایران اساساً تخصص جایگاهی ندارد، آگهی‌های استخدامی را نگاه کنید مدرک می‌خوان نه تخصص کسی موقع استخدام نمی‌پرسد چی بلدی می‌پرسد مدرکت چیه، هر جا میری مدرک مهم است نه تخصص در این شرایط طبیعی است که افراد دنبال مدرک بروند".

ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در آموزش عالی

براساس نتایج به‌دست آمده از تحقیق یکی از عوامل مؤثر که زمینه شکل‌گیری کژکارکردی در آموزش عالی را فراهم می‌نماید ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در حوزه آموزش عالی می‌باشد. ابعاد این مقوله شامل موارد زیر است.

تعدد *کانون‌های قدرت و تصمیم‌گیرنده*: بر اساس نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های تحقیق، از جمله مهم‌ترین مشکلات آموزش عالی در حوزه مدیریتی تعدد *کانون‌های قدرت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی می‌باشد*. وزارت علوم تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز جذب، شورای عطف، هیأت امناء دانشگاه‌ها و بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی از طریق تصمیم‌گیری یا اعمال نفوذ به‌صورت مستقیم و غیره مستقیم، فعالیت‌های آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این وضعیت موجب چندگانگی و سردرگمی در فعالیت‌های آموزش عالی شده و این امر موجب زمینه‌سازی برای کژکارکردی در فعالیت‌های آموزش عالی می‌گردد. در این خصوص مهدی بی‌طرفان بیان می‌کند که "یکی از مسائل و مشکلاتی که در آموزش عالی ما وجود دارد *بلا تکلیفی و سردرگمی به‌خاطر تعدد مراکز اعمال فشار و قدرت است شما ببینید ریاست دانشگاه یک سمت سیاسی است وزارت علوم رئیس دانشگاه را تعیین می‌کند شورای انقلاب فرهنگی باید تایید کند. بازی سیاسی و جناحی است. من کاری به درستی و نادرستی این موضوع ندارم ولی این موضوع موجب افت در آموزش عالی کشور است این وضعیت در سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری نیز به همین قدرت و شدت وجود دارد*".

مدیریت سیاسی و *رابطه‌ای*: بر اساس نتایج به‌دست آمده سیاسی و رابطه‌ای بودن مدیریت در سطح دانشگاه‌های کشور از عوامل کژکارکردی می‌باشد. به عبارت دیگر به دلیلی سیطره‌ی نظام سیاسی بر فعالیت‌های دانشگاهی انتخاب مدیران کاملاً رابطه‌ای و حزبی می‌باشد. نظام حاکم با هدف همسو کردن مراکز دانشگاهی با خود و بهره‌برداری‌های سیاسی از آن اقدام به تغییر مدیریتی و جایگزین کردن مدیران قبلی دانشگاه می‌کند و اساساً موضوعی به نام پاسخگویی مطرح نیست و این وضعیت موجبات ضعف در آموزش عالی را فراهم می‌نماید. در این خصوص ایمان علی اصغر بیان می‌کند که "نگاه به آموزش عالی نباید جناحی و سیاسی باشد، رئیس دانشگاه در ایران کاملاً سیاسی است و باید با دولت هماهنگ باشد این وضعیت در بسیاری مواقع موجب روی کار آمدن مدیران بسیار ضعیف در حوزه آموزش عالی می‌شود و این وضعیت معمولاً به رده‌های پایین مدیریتی دانشگاه نیز کشیده می‌شود".

ضعف در نگاه تخصصی به مدیریت آموزش عالی: یکی از مسائل دیگری که به اعتقاد اطلاع‌رسان‌های پژوهش در این زمینه وجود دارد عدم نگاه تخصصی به مدیریت آموزش عالی می‌باشد. این برداشت که تمامی اساتید به‌واسطه داشتن تحصیلات عالی دارا توانایی مدیریت آموزش عالی نیز هستند برداشتی غیرتخصصی و غیرحرفه‌ای می‌باشد. مدیریت در حوزه آموزش عالی همانند سایر حوزه‌ها نیازمند تخصص و توانمندی‌های حرفه‌ای می‌باشد که در انتخاب و

گزینش مدیران آموزش عالی باید مورد توجه قرار بگیرد. در این خصوص ایمان علی اصغر بیان می‌کند "علاوه بر سیاسی بودن مدیریت آموزش عالی نگاه غیرتخصصی به آن نیز یکی از دغدغه‌های دیگر در این زمینه می‌باشد تصور این است که هر کسی با هر تخصصی می‌تواند در آموزش عالی مدیریت نماید اما این تصور در سایر سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها کمتر دیده می‌شود باید نگاه‌ها تغییر نماید و مدیریت آموزش عالی تخصصی گردد".

ضعف در نهادهای نظارتی و نظارت ایدئولوژیک: عامل دیگری که در توسعه کژکارکردی‌های آموزش عالی می‌تواند مؤثر باشد ضعف در توسعه‌ی ارگان‌ها و نهادهای نظارتی در سطح وزارت علوم و دانشگاه‌ها می‌باشد. بر مبنای این اصل وجود نهادی بالادستی و دارای اختیار جهت ارزیابی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه در ابعاد مختلف می‌تواند تا حدود زیادی از بروز کژکارکردی‌های آموزش عالی جلوگیری نماید. البته شایان ذکر است که برخی نهادها در آموزش عالی ایران در حال حاضر وجود دارند ولی عملاً کارایی لازم را ندارند. در این خصوص سارا خسروی معتقد است "کژکارکردی در آموزش عالی وجود دارد چون نظارت وجود ندارد و اساساً چیزی به اسم پاسخگویی وجود ندارد کجا در ایران مدیری ارزیابی می‌شود عملکرد او بررسی می‌شود و در معرض پاسخگویی قرار می‌گیرد. کجا از پژوهشگری در مورد نتایج و آثار تحقیق وی سوال می‌شود و بر فرایند تحقیق نظارت می‌شود؟ وقتی نظارت نباشد هر اتفاقی می‌افتد".

ضعف در ارتباط صنعت و دانشگاه

براساس نتایج به‌دست آمده از تحقیق از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری کژکارکردی در آموزش عالی می‌توان به ضعف ارتباط صنعت و دانشگاه اشاره کرد. فعالیت مؤسسات آموزشی در این خصوص صرفاً معطوف به نهاد سازی (واحد ارتباط با صنعت) شده است. این مقوله در برگیرنده ابعاد زیر می‌باشد.

دانشگاه وارداتی، صنعت مونتاژی: از مشکلات موجود در حوزه ارتباط صنعت و دانشگاه، غیرخودجوش، وارداتی و مونتاژی بودن صنعت و نظام دانشگاهی کشور می‌باشد. به عبارت دیگر از یک طرف دانشگاه‌های ایران بدون این که برخواسته از بتن جامعه باشد و یا بررسی دقیقی از نیازهای واقعی جامعه صورت داده باشد رشد قارچ‌گونه‌ای را داشته و در سطح کشور گسترده شدند. از طرف دیگر صنعت کشور نیز به جز در مواردی خاص صنعتی مونتاژی و تکنسینی است و اساساً در بسیاری از صنایع ما چیزی به اسم طراحی، برنامه‌ریزی و تحلیل وجود ندارد. بنابراین زمینه‌ای برای ارتباط صنعت و دانشگاه وجود ندارد چون فکر، تحلیل، برنامه‌ریزی، طراحی و تولید که نیاز به دانش و مهارت دارد و زمینه ساز ارتباط دانشگاه و صنعت هستند در خارج از

مرزهای کشور صورت می‌گیرد و ما صرفاً مصرف‌کننده‌ی این دانش و تکنولوژی هستیم. در این خصوص ایمان علی اصغر بیان می‌کند "آموزش عالی ایران ضعیف است چون مطالبه‌ای از آن وجود ندارد دانشگاه ما وارداتی است و با نیازها فاصله دارد و نتوانسته عرضه خوبی در بازار داشته باشد از طرفی صنعت هم تقاضای روشنی از آموزش عالی دارد چرا که آن هم وارداتی است پویایی ندارد. در نتیجه به مهندس نیاز ندارد. دانشگاه مهندس طراحی تربیت می‌کند صنعت تکنسین مونتاژ نیاز دارد".

شکاف بین تحصیلات آکادمیک و نیازهای شغلی: از دیگر عوامل مؤثر در شکاف بین دانشگاه و صنعت، شکاف بین تحصیلات دانشگاهی و نیازهای شغلی می‌باشد. بر این اساس به دلیل ضعف در نیازسنجی خواسته‌های صنعت، اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاه یا بیکار می‌مانند یا افراد و نیازهای صنعت را درست نمی‌شناسند و در نتیجه افراد مناسب هم تربیت نمی‌کنند یا اگر هم می‌شناسند افرادی که تربیت می‌نمایند عموماً توانمندی لازم را ندارند زیرا در دانشگاه‌های ما هنوز دیوار تئوری‌پردازی بلند و دیوار مهارت آموزشی کوتاه می‌باشد. این وضعیت موجب می‌شود که به مرور اعتماد صنعت نسبت به دانشگاه سلب و شکاف بین دانشگاه و صنعت رو به افزایش باشد. در این خصوص امین حبیبی راد بیان می‌کند "شما از فارغ‌التحصیلانی که جذب محیط کار شده‌اند سؤال کنید چند درصد از آموخته‌های دانشگاهی خود را در محیط کار استفاده می‌نمایند و این همه درس خواندن چقدر به کارشان آمده؟ کاری را انجام می‌دهند که یک فرد فوق دیپلم با کمی آموزش می‌توانست انجام دهد به نظر من هم دانشگاه و هم صنعت ما مریض است".

ضعف در تحقیقات کاربردی و مشترک بین صنعت و دانشگاه: از مشکلات دیگر در این زمینه که موجب شکاف بین صنعت و دانشگاه شده است، ضعف در تحقیقات کاربردی و مشترک بین دانشگاه و صنعت می‌باشد. بر این اساس تحقیقات دانشگاهی توسط اساتید و دانشجویان با هدف ارتقاء و عموماً در فضایی بین‌المللی و با موضوعاتی که عموماً کپی‌برداری از موضوعات بین‌المللی هستند صورت گرفته و ارتباط چندانی با موضوعات و مسائل واقعی جامعه و صنعت ندارند و در تحقیقات دانشگاهی به موضوعات و مسائل واقعی جامعه کمتر توجه می‌گردد. در این خصوص خانم حسین زاده بیان می‌کند "متأسفانه نگاه جزیره‌ای در کشور وجود دارد، دانشگاه و صنعت دو چیز غریب و مجزا هستند که هیچ ارتباطی باهم ندارند چند مؤسسه تحقیقاتی مشترک وجود دارد یا چند پروژه تحقیقاتی به سفارش صنعت در جامعه صورت گرفته است چند درصد بودجه دانشگاه‌ها از درآمدهای ناشی از ارتباط با صنعت است".

ضعف تعهد درونی و حرفه‌ای

یکی از عوامل مؤثر دیگر که در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی نقش عمده‌ای دارد ضعف در تعهد حرفه‌ای و درونی در عاملان آموزش عالی می‌باشد. بر این اساس اساتید به‌عنوان شاغل در حرفه معلمی و دانشجویان به‌عنوان شاغل در حرفه‌ای دانشجویان باید نسبت به حرفه خود دارای تعهد باشند از عوامل مربوط به این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

افول هنجارهای اخلاقی در جامعه: یکی عوامل مؤثر و زمینه‌ساز در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی افول هنجارهای اخلاقی در سطح جامعه می‌باشد. وضعیت هنجارهای اخلاقی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و ورزشی نامناسب است. این وضعیت عمومی حاکم بر جامعه موجب افول هنجارهای علمی در آموزش عالی شده است. چرا که عاملان آموزشی نیز در حالت کلی بخشی از این اجتماع کلی هستند. در این خصوص خانم رضایی بیان می‌کند "شما می‌گویید که چرا آموزش عالی دچار کژکارکردی شده است من به شما می‌گم چرا جامعه دچار کژکارکردی شده است مگر اصول اخلاقی در جامعه و در بین سیاستمداران، بازاریان و کارگران، مهندسان وجود دارد که در آموزش عالی وجود داشته باشد مگر آموزش عالی جدا از جامعه است. شما بررسی کنید که چرا جامعه دچار بی‌اخلاقی شده است، در نتیجه بی‌اخلاقی دانشگاه هم معلوم می‌شود".

توسعه روحیه‌ی منفعت‌طلبی: از عواملی مؤثر دیگر در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزشی عالی توسعه‌ی روحیه‌ی منفعت‌طلبی و نفع شخصی در جامعه می‌باشد. منافع فردی از گذر پایبندی به هنجارهای اجتماعی محقق می‌شود؛ ولی گاهی شرایطی پیش می‌آید که مصالح فرد و جامعه در تنازع با یکدیگر قرار می‌گیرند و افراد برای دستیابی به منافع فردی، حقوق اجتماعی و منافع عمومی را نادیده می‌گیرند. زمانی که در جامعه چنین روحیه‌ای گسترش می‌یابد دیگر هنجارهای اخلاقی رنگ می‌بازند و زمینه بروز کژکارکردی مهیا می‌گردد. در این خصوص کریم آباد بیان می‌کند "ببینید همه ما ایرانی‌ها دوست داریم ره صد ساله را یک شبه طی کنیم همه دوست داریم پولدار بشیم، نمی‌گوییم این کار بدی است یا اشتباه است اما خیلی‌ها مون متأسفانه برای دستیابی به این هدف به جای استفاده از راه درست درگیر مسیرهای می‌شویم که شاید خیلی هم درست نباشد و بیشتر به منافع خود فکر می‌کنیم تا دیگران".

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج تحقیقات انجام شده (فراستخواه، ۱۳۸۹؛ توکل، ۱۳۷۸؛ مبشر و همکاران، ۱۳۸۵؛ خالقی، ۱۳۸۷؛ افشار و نعمتی، ۱۳۸۹؛ رضائیان، ۱۳۸۸؛ مطلبی فرد و همکاران، ۱۳۹۲؛ مهram و همکاران، ۱۳۸۴؛ قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۵؛ گل پرور، ۱۳۸۹)، در آموزش عالی ایران در بعد پژوهشی کژکارکردی‌های از قبیل موضوعات و تحقیقات غیر کاربردی، گسترش داده‌سازی و مقاله‌سازی، خرید و فروش مقاله، پایان‌نامه و کتاب، رعایت نکردن حقوق آزمودنی‌ها انسانی و حیوانی، نادیده گرفتن حقوق ذی‌نفعان پژوهش، گسترش سرقت علمی، سیاسی‌کاری در فرآیند تدوین پایان‌نامه‌ها دانشجویی، سوگیری و غرض‌ورزی در فرآیند داوری‌های علمی، پاس‌کاری مقالات و تألیف‌های، ضعف در صیانت از مالکیت فکری و چاپ پاره‌ای و دوگانه، در بعد آموزشی کژکارکردی‌های همچون افت کیفیت کلاس‌های درس، دیوار بلند تئوری، محتوای منسوخ، روش‌های غیرکارآمد، نگاه ابزاری به دانشجویان، بی‌عدالتی در ارزیابی و ارزیابی غیرواقعی، بی‌احترامی به سایر اساتید، بی‌توجهی به حقوق اساتید و سایر همکلاسان، کم‌فروشی در انجام تکالیف تحصیلی، گسترش تقلب، ضعف در روحیه‌ی جستجوگری و علم‌خواهی از طرف دانشجویان و در بعد خدمات اجتماعی کژکارکردی‌های همچون ضعف در تولید ثروت و رفاه از علم و ضعف در عمومی‌سازی علم در جامعه و افزایش سطح زندگی رواج دارد.

به‌عبارت دیگر آموزش عالی نتوانسته است انسان آکادمیکی را که بورديو از آن نام می‌برد تربیت نماید و رواج کژکارکردی‌های مختلف در آموزش عالی و در رفتار عاملان آموزشی مانع از توسعه‌ی معیارهای آکادمیک در آموزش عالی شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق در شکل‌گیری کژکارکردی‌های آموزش عالی عواملی هم‌چون ضعف انگیزشی و فقدان چشم‌انداز روشن، ضعف در سیستم پذیرش و ورود غیرآکادمیک، ضعف امکانات و زیرساخت‌های مورد نیاز برای عملکرد مؤثر، فرهنگ سازمانی غیرآکادمیک حاکم بر دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی، افول جایگاه نهاد علم در جامعه، توسعه و سیاست‌گذاری کمی در آموزش عالی، رواج مدرک‌گرایی در سطح جامعه، ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در آموزش عالی و نبود سیستم پاسخگویی، ضعف در تعاملات مؤثر صنعت و دانشگاه و ضعف تعهد درونی و حرفه‌ای در میان عاملان آموزش عالی مؤثر می‌باشد. نتایج بدست آمده از این تحقیق با بخشی از نتایج تحقیقات قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۰؛ مهram و همکاران؛ ۱۳۸۴، ۱۳۸۶؛ فراستخواه، ۱۳۸۹، مطلبی‌فرد، ۱۳۹۱؛ برهانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ صفایی‌موحد، ۱۳۸۹؛ آراسته و معماری، ۱۳۹۰؛ آراسته، ۱۳۸۶، ۱۳۸۲؛ پرداختچی، ۱۳۹۱؛ اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰؛ فیوضات و همکاران، ۱۳۸۶؛ باقری نژاد، ۱۳۸۷؛ میرعلیخانی، ۱۳۸۸؛ صفا، ۱۳۸۷؛ بریمان، ۱۳۹۰؛ زمان زاده

و همکاران، ۱۳۹۳؛ شریعتمداری، ۱۳۹۰؛ ربانی خوراسکانی، ۱۳۹۰؛ علیخانی، ۱۳۸۸؛ دانایی فر، ۱۳۸۸؛ همسو می باشد.

متأسفانه در کشور ما به‌رغم وجود مراکز آموزش عالی متعدد، پیشرفت علمی در حد مطلوب صورت نگرفته است. دانشگاه‌های ما فارغ‌التحصیل تحویل جامعه می‌دهند نه متخصص و به همین دلیل گرچه هر سال انبوهی از فارغ‌التحصیلان وارد جامعه می‌شوند اما شاهد رشد علمی چندانی نیستیم. البته محصولات پیشرفته که زندگی را راحت‌تر می‌کنند هر روز بیش از پیش در اختیار مردم قرار می‌گیرند ولی این محصولات حاصل رشد علمی در بیرون مرزها هستند و در واقع ما فقط واردکننده آن‌ها هستیم. به‌عبارت دیگر همان‌طور که گفته شد در آموزش عالی ایران نیاز به مهندسی مجدد به شدت احساس می‌گردد. این مهندسی مجدد در سه سطح قابل بحث است. در سطح اول مربوط به نظام حاکم و جامعه‌ای است که آموزش عالی در بتن آن مشغول فعالیت می‌باشد. که در این حوزه می‌توان به ضرورت توسعه استقلال دانشگاه‌ها، جدا کردن فضای آموزشی عالی از نظام سیاسی و تاخت و تازهای سیاسی، بهبود وضعیت اقتصادی و حل معضل بیکاری قشر تحصیل کرده، ایجاد وحدت رویه در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی اشاره کرد. بخشی از این فرآیند مهندسی مجدد مربوط به سیاست‌گذاران و حاکمان نظام آموزشی عالی (وزارت علوم، شورای انقلاب فرهنگی) است که در این حوزه اقداماتی از طریق سیاست‌گذاری‌های لازم، باز تعریف نقش و جایگاه اصحاب علم، نیازسنجی دقیق از نیازهای آموزشی در مناطق مختلف کشور، بهبود و تخصصی کردن ساختار مدیریتی، توسعه ساختار نظارتی، تدوین معیارهای ارزیابی مناسب‌تر، اصلاح سیستم پذیرش دانشجویان، فراهم کردن زیرساخت‌ها و منابع و امکانات لازم ارتقای تعاملات با صنعت و ... اشاره کرد. بخش سوم فرآیند مهندسی مجدد مربوط به عاملان آموزشی بوده و در این حوزه لازم است از یک سو دانشجویان به معنای واقعی کلمه دانشجوی، یعنی جوینده‌ی دانش، باشند و با انگیزه‌ی علم‌آموزی وارد دانشگاه شوند. از سوی دیگر اساتید نیز جدا از داشتن تخصص لازم باید به معنای واقعی کلمه معلم، یعنی علم‌آموز، باشند. وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور نیز باید به نحوی باشد تا دانشجو بتواند به راحتی علم بیاموزد، استاد بتواند به خوبی آموزش دهد و مسئولان آموزشی نیز بتوانند با فراغ بال نظام و مقررات آموزشی را سامان دهند.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۶). ویژگی‌ها و فعالیت‌های رئیس‌ان دانشگاه‌ها در ایران: مسائل و راه‌حل‌ها. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۵، صفحه ۳۲-۵۷.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). مدیریت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری: چالش‌ها و کاستی‌ها. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۱ و ۲۲، صفحه ۴۲-۶۰.
- آراسته، حمیدرضا، معماری، سعیده (۱۳۹۰). بررسی عوامل بنیادی مدیریت دانش در محیط‌های دانشگاهی: مطالعه‌ای موردی. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۳، شماره ۲-۳. اسماعیلی، میترا، یمنی دوزجی، محمد، حاجی حسینی، حجت اله، کیامنش، علیرضا (۱۳۹۰). وضعیت ارتباط دانشکده‌های فنی مهندسی دانشگاه‌های دولتی تهران با صنعت در چارچوب نظام ملی نوآوری. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۹، صفحه ۲۷-۴۶.
- افشار، لیلا، نعمتی، علی (۱۳۸۹). حریم خصوصی در پژوهش‌های معطوف به انسان بر مبنای آموزه‌های اسلامی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، سال ۲، شماره ۸ و ۹، صفحه ۶۰-۷۴.
- ایمانی، صدف، یعقوبی، ابوالقاسم، یوسف‌زاده، محمدرضا، ویسی، سعید، محقق، حسین (۱۳۹۴). رابطه برنامه درسی پنهان با تحلیل رفتگی آموزشی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال ۱۲، دوره ۲، شماره ۱۸، صفحه ۲۹ الی ۴۱.
- باقری نژاد، جعفر (۱۳۸۷). دانشگاه و صنعت ایران در فرایند گذر در عصر دانش و نوآوری. *مجله صنعت و دانشگاه*، سال ۱، شماره ۱، صفحه ۱-۱۲.
- بزرگ، حمیده، خاکباز، عظیمه سادات (۱۳۹۲). استاد راهنمای پنهان: برنامه درسی برآمده از تعامل استاد راهنما و دانشجو در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال ۱۰، دوره ۲، شماره ۹، صفحه ۳۸-۵۰.
- بریمانی، ابوالقاسم، محمد، صالحی، صادقی، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی. *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*، سال ۲، شماره ۴، صفحه ۵۲-۷۰.
- برهانی، فریبا، الحانی، فاطمه، محمدی، عیسی، عباس‌زاده، عباس (۱۳۸۹). درک دانشجویان پرستاری از موانع کسب اخلاق حرفه‌ای: یک تحقیق کیفی. *گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، دوره ۸، شماره ۱، صفحه ۶۷-۸۰.
- توکل، محمد (۱۳۷۸). وضعیت آموزش عالی در ایران: واقعیت‌ها و چالش‌ها. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۱۸، صفحه ۱-۲۶.
- توفیقی داریانی، جعفر (۱۳۸۸). ضرورت ارتقای کیفیت در آموزش عالی ایران. *نشریه صنعت و دانشگاه*، سال ۲، شماره ۵ و ۶، صفحه ۵-۱۲.
- ثابتی، مریم، همایون سپهر، محمد، احمدی، فخرالدین (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه ملی، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال ۶، شماره ۴، صفحه ۶۰-۶۹.
- خالقی، نرگس (۱۳۸۷). اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۳، شماره ۶-های ۱ و ۲، صفحه ۸۳ تا ۹۳.

واکاوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه کژکارکردی‌های آموزشی عالی در ایران ۳۷

رباطی، فاطمه‌السادات، محمد باقری، محمد، حسنی، فاطمه (۱۳۹۴). واکاوی برنامه درسی پنهان در دوره پژوهشی مقطع دکتری. *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، دوره ۱۲، شماره ۱، صفحه ۴۴-۷۵.

ربانی خوراسگانی، علی، قاسمی، وحید، ربانی، رسول، ادیبی سده، مهدی، افقی، نادر (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی شیوه‌های تولید علم؛ تأملی در رویکردهای نوین. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۴، شماره ۴، صفحه ۱۱۷-۱۵۸.

رضائیان، محسن (۱۳۸۸). اخلاق انتشار. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، دوره ۸، شماره ۴، ص ۲۵۱ تا ۲۵۲.

زمان‌زاده، وحید، جاسمی، مدینه، منصوری، آمنه، فرزانه، فرخنده، حسینی، فهیمه سادات (۱۳۹۳). کیفیت آموزش مقطع دکتری پرستاری از دیدگاه دانشجویان. *نشریه پرستاری ایران*، دوره ۲۷، شماره ۸۹، صفحه ۸۰-۸۹.

دانایی‌فر، حسن (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، سال ۲، شماره ۱، صفحه ۱-۱۶. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی*. تهران: انتشارات کویر. ذکایی، محمد سعید، اسماعیلی، محمد جواد (۱۳۹۰). جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۴(۴)، صفحه ۵۵-۹۰.

سریع‌القوم، محمود (۱۳۷۵). *توسعه جهان سوم و نظام بین‌المللی*. تهران: انتشارات بی نا. سلیمانی، نادر، حسنی، سمانه (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر بحران رفتار دانشجویی و ارائه راهکار برای کاهش آن. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۵، صفحه ۱-۱۷. شریعتمداری، مهدی (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی موانع اجرای پژوهش در میان اعضای هیئت علمی و ارائه راهکارهای کاربردی. *فصلنامه مطالعات مدیریت آموزشی*، سال ۳، شماره ۱، صفحه ۴۶-۵۹. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). *فرهنگ و دانشگاه*. تهران: نشر ثالث.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). *دانشگاه و آموزش عالی*. تهران: نشر نی. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۵). اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی جایگاه و سازو کارهای «اخلاقیات حرفه‌ای علمی» در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران. *فصلنامه اخلاق در علم و فناوری*، شماره ۱، صفحه ۱۳-۲۶.

فیوضات، ابراهیم، تسلیمی تهرانی (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز. *پژوهش نامه علوم انسانی*، شماره ۵۳، صفحه ۲۶۸-۲۸۰.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۲). *فرهنگ و زبان، ضمیمه درآمدی بر انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی. قارون، معصومه (۱۳۷۵). بررسی راه‌های تأمین مالی دانشگاه‌ها. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.

قاضی طباطبایی، محمود و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۷۹). سوگیری هنجاری و اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی. *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۱۸۰ و ۱۸۱، ص ۱۸۷-۲۲۶.

صفا، لیلا، ایروانی، هوشنگ، شعبان علی، حسین (۱۳۸۷). تحلیل دیدگاه دانشجویان نسبت به مولفه‌های مؤثر بر بینش کیفیت آموزش کشاورزی. *مجله کشاورزی*، سال ۱۰، شماره ۲، صفحه ۸۳-۹۰.

صفایی موحد، سعید (۱۳۹۰). تبیین تفاوت هنجارهای پنهان (برنامه درسی پنهان) در انتخاب استاد راهنما در دانشکده‌های علوم ریاضی و علوم تربیتی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه خوارزمی.
کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین رضایت اعضاء هیأت علمی از سیستم پژوهشی دانشگاه با انگیزه پژوهشی آنان، *دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۴۴-۳۵.

گل پرور، محسن (۱۳۸۹). بررسی نقش اخلاق تحصیلی، عدالت و بی‌عدالتی آموزشی بر رفتارهای مدنی تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال ۵، شماره ۴، صفحه ۲۵ تا ۴۲.
مبشر، مینا، موسوی، فاطمه، نعی، نودز، شیبانی، وحید (۱۳۸۵). بررسی رعایت اصول اخلاقی در پژوهش بر حیوانات آزمایشگاهی به روش کیفی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ویژه‌نامه اخلاق در پزشکی، پیوست شماره ۱، صفحه ۴۹ تا ۶۱.

مدهوشی، مهرداد، نیازی، عیسی (۱۳۸۹). بررسی و تبیین جایگاه آموزش عالی ایران در جهان. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال ۲، شماره ۴، صفحه ۱۱۳-۱۴۸.
مطلبی فرد، علیرضا، آراسته، حمیدرضا، محبت، هدیه، دستا، مهدی (۱۳۹۱). اخلاق پژوهش در آموزش عالی: ویژگی‌های فردی و مسئولیت‌های حرفه‌ای پژوهشگران. *مجله دانش‌شناسی*، سال ۵، شماره ۱۹، صفحه ۱۷-۳۲.

مطلبی فرد، علیرضا، عبدالهی، بیژن، محبت، هدیه (۱۳۹۳). چارچوب و معیارهای اخلاقی تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های دولتی: یک مطالعه کیفی. *دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، دوره ۷، شماره ۱۲، صفحه ۴۳-۵۷.

مظفری، فاروق امین، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۹۰). فرهنگ رشته‌ای و تاکتیک‌های جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۲، صفحه ۴۷-۶۳.
مهرام، بهروز، ساکتی، پرویز و لطف آبادی، حسین (۱۳۸۴). بررسی تحولات نگرشی و هویتی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۲۱، ص ۸۰-۹۰.

مهرام، بهروز، ساکتی، پرویز، مسعودی، اکبر، مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۶). نقش مولفه‌های برنامه درسی پنهان در هویت علمی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد). *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، شماره ۳، صفحه ۲۹-۳.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۸)، *آشنایی با مبانی پژوهش‌های کیفی*، زیر چاپ.
نیکخواه، محمد، شریف، مصطفی، نصر، احمد رضا، طالبی، هوشنگ (۱۳۹۰). امکان سنجی کاربرد شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی در حوزه ارزشیابی برنامه درسی دوره تحصیلات تکمیلی، بر مبنای الگوی سیپ. *دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، دوره ۴، شماره ۷، صفحه ۱۰۰-۱۳۲.

- Ahola, Sakari(2000). Hidden Curriculum in Higher Education: something to fear for or comply to? Paper presented at the Innovations in Higher Education 2000 Conference.
- Ayres, L., (2008), thematic coding and analysis. The SAGE Publication LTD, London, UK.
- Bourdieu, P., (1988), Homo Academicus. Cambridge: polity press.
- Creswell, John, w., (2007). Qualitative inquiry and research design, sage publication INC. London, UK
- Evans, C., Stevenson, F., (2009). The learning experiences of international doctoral students with particular reference to nursing students: A literature review. In Int. J. Nurs. Stud .
- Elena, S., (2011). Reflective capability- a specific goal of a teacher's professional ethics course. Procedia Social and Behavioral Sciences, Vol 11, PP145-149.
- Fischer, S., Oget, D., Cavallucci, D., (2016).The evaluation of creativity from the perspective of subject matter and training in higher education: Issues, constraints and limitations. Thinking Skills and Creativity, Vol 19, Pages 123–135.
- Marina, N., Kicherova, Galina Z. Efimova, Tamara V. Khvesko (2015). Early Professional Socialization of University Students in Russia. Social and Behavioral Sciences, Vol 200, PP 442–448.
- Formaa, P., Matyjas, D., (2015). Digitalization of Upbringing and Education in Relation to Shifted Socialization of Polish Students. Social and Behavioral Sciences, Vol 176, Pages 985–991.
- Fatkullinaa, F., Morozkinaa, E., Suleimanovab, A., (2015). Modern Higher Education: Problems and Perspectives. Social and Behavioral Sciences, Vol 214, PP 571 – 577.
- Lempp, H., Seale, C., (2004). The hidden curriculum in undergraduate medical education: qualitative study of medical students, perceptions of teaching. BMJ, Vol. 329, October 2004.
- Ongiti, O, K., (2012). Professional Socialization of Graduate Students: A give-and-take process, Business Management Dynamics, Vol.1, No.10, pp.33-40.
- Margolis, Eric and et al. (2001). Hiding and Outing the Curriculum. In The Hidden Curriculum in Higher Education. London: Rutledge.
- Mormolejo, F., (2006). Fostering the Development and Implementation of Principles for Managing the Ethical in Higher Education Institutions: An International Comparative Perspective. General Conference, Paris, France.
- Pavel, A. P., (2012), “The Importance of Quality in Higher Education in an Increasingly Knowledge-Driven Society”. International Journal of Academic

- Research in Accounting, Finance and Management Sciences, Volume 2, Special Issue 1, pp120-127.
- Sahlam, S., (2014). Enhancement of Culture in Education: Research on Indonesian High School. *Social and Behavioral Sciences*, Vol 143, pp117 – 121.
- Samuel, R. E., & Kohun, F. G., (2010). Managing perceived coping behavior while mentoring doctoral students. *International Journal of Doctoral Studies*, 5, 29-37. Retrieved from <http://ijds.org/Volume5/IJDSv5p029-037Samue291.pdf>
- Susan K. Gardner (2010). Faculty Perspectives on Doctoral Student Socialization in Five Disciplines, *International Journal of Doctoral Studies*, VOL 5 .
- Strouss, A., Corbin, J., (1998). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publication, Inc, London, UK.
- Weidman. J., (2011). Socialization of student in Higher Education: Organizational Perspective, *The SAGE Handbook for Research in Education*. SAGE Publication.